

آراستگی صالحانه (۲)

﴿۱۰﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَ حَلِّني بِمَحَلَّةِ الصَّالِحِينَ

وَأَلْبِسْني زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي ...

وَالسَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ

وَأَيُّثارِ التَّفَضُّلِ

وَتَرْكِ التَّعْيِيرِ

وَالْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ

وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ

وَأَسْتَقْلَالَ الْخَيْرِ

وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي

وَأَسْتَكْثَرَ الشَّرِّ

وَإِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي

وَأَكْمِلْ ذَلِكَ لِي

بِدَوَامِ الطَّاعَةِ

وَلُزُومِ الْجَمَاعَةِ

وَرَفُضِ

أَهْلِ الْبِدْعِ

وَمُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ.

﴿۱۰﴾ معبودا! بر محمد و خاندان او درود فرست

و مرا به زیور صالحان بیاری

و زینت پرهیزکاران را بر من بپوشان در: ...

و پیشی گرفتن به سوی فضیلت

و برگزیدن احسان ابتدایی به دیگران

و ترک سرزنش

و ترک احسان به آن که سزاوار احسان نیست

و حق گویی هر چند سخت باشد

و اندک شمردن نیکی،

گرچه در گفتار و کردار من بسیار باشد

و بسیار دانستن بدی،

گرچه در گفتار و کردار من اندک باشد

و این خوی ها را در من کامل فرما،

با توفیق استمرار در فرمانبرداری

و همراهی با جماعت

و رها کردن و دوری گزیدن از

اهل بدعت ها،

و به کارگیرندگان اندیشه های ساختگی.

نمایی از دعا

صالحان و پرهیزکاران با حق و حقیقت چه نسبتی دارند؟
با خطاکاران چه برخوردی می‌کنند؟ نگاهشان به کارهای نیک و بد خود چگونه است؟
موضعشان نسبت به بدعت‌گذاران چیست؟

واژگان مهم

• با توجه به متن درس و ترجمه آن، معنای واژگان زیر را بنویسید.

إِيَّار	الْمُسْتَحِقُّ	عَزَّ	اسْتِقْلَال	كَثُرَ
اسْتِكْثَار	قَلَّ	أَكْمَلَ	مُسْتَعْمِل	الرَّأْي

شرح واژگان

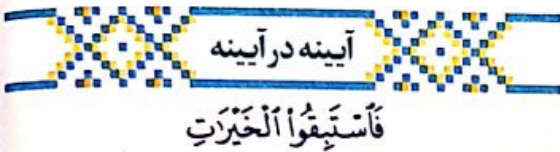
کلمه	معنا	شرح
السَّبْقِ	پیشی گرفتن	ماده «س ب ق» به معنای پیشی گرفتن در حرکت به سوی مقصودی معین است. فرق آن با تَقَدَّمَ، این است که تقدّم به معنای جلوتر بودن است، خواه شخص قصد جلوتر بودن را داشته باشد، خواه نداشته باشد؛ بر خلاف سبق.
رَفُضٍ	رها کردن، ترک کردن	ماده «ر ف ض» به معنای رها کردن و کناره گرفتن است. رَفُضِ أَهْلِ الْبِدْعِ؛ یعنی ترک کردن بدعت‌گذاران و کناره گرفتن و دوری کردن از آنان.
أَكْمَلَ	کامل کن	ماده «ک م ل» به معنای کمال است. أَكْمَلَ فعل امر از باب إفعال به معنای کامل کردن است. در زبان عربی «کمال» و «تمام» تقریباً هم معنا هستند با این تفاوت که معمولاً کمال در کیفیات و تمام در کمیات مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین کمال معمولاً بر مرتبه‌ای بعد از تمامیت اجزاء یک شیء اطلاق می‌شود.

• زیورهای دیگر... •

در درس پیشین با تعدادی از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری صالحان و متقیان آشنا شدیم؛ ویژگی‌هایی که همچون زیوری بر اندام آنان جلوه‌نمایی می‌کنند و بر شکوه و زیبایی معنوی آنان می‌افزایند. در این درس با تعدادی دیگر از آن زینت‌های معنوی آشنا می‌شویم.

(۱) پیشی گرفتن به همه فضایل و خیرات (السَّبْقُ إِلَى الْفَضِيلَةِ)

به والاترین کمالات اخلاقی و انسانی، فضیلت گفته می‌شود. امام سجاده علیه السلام در محضر پروردگارش، نه تنها درخواست دستیابی به همه فضیلت‌ها را دارد بلکه فراتر از آن، از او می‌خواهد پیش از دیگران به این مراتب والای اخلاقی و انسانی نائل شود؛ سید علی خان مدنی رحمته الله در



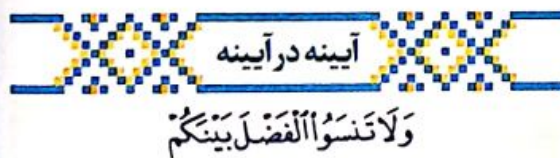
به سوی نیکی‌ها بر یکدیگر پیشی گیرد

بقره: ۱۴۸

این رابطه می‌نویسد: «دلیل اینکه پیشی‌گیرنده به خیر، برتر است، این است که چنین شخصی پیشوای دیگران قرار می‌گیرد و دیگران از او پیروی می‌کنند و مانند کسی می‌شود که سنتی نیکو را پایه‌گذاری کرده است؛ در حدیث آمده است: "هرکس [با عمل به کار نیکی] سنت نیکویی را پایه‌گذاری کند، هم از پاداش کار نیکی که خود انجام داده بهره‌مند می‌گردد و هم تا روز قیامت از پاداش دیگر افرادی که به آن عمل می‌کنند بهره‌مند خواهد شد"». (ریاض السالکین، ۳/ ۳۴۹)

(۲) برگزیدن احسان ابتدایی (إِيْتَارِ التَّفَضُّلِ)

احسان و نیکی، گاه وظیفه و در مقابل احسان و نیکی دیگران است و گاه این‌گونه نیست؛ یعنی شخص نیکوکار با وجود اینکه هیچ وظیفه‌ای در قبال دیگری ندارد، به او نیکی می‌کند. آنچه باعث نیکی‌کردن او می‌شود، «فضل» اوست؛



و فضل (بزرگواری) را در میان خود فراموش نکنید

بقره: ۲۳۷

از این رو به این کار او در زبان عربی «تَفَضُّل» گفته می‌شود. بر اساس آموزه‌های اسلامی، همه نعمت‌هایی که خداوند جل جلاله به بندگانش ارزانی می‌کند، تفضل است؛ چراکه هیچ‌یک از بندگان بر گردن او حقی ندارند بلکه آفریدن آنان و هر آنچه پس از آفریدن در اختیار آنان قرار می‌دهد، جوشش فضل و رحمت اوست. امام سجاده علیه السلام در این فراز، از خداوند جل جلاله می‌خواهد که جان او را به این خصلت خدایی صالحان و پرهیزکاران، آراسته کند.



۳) پرهیز از سرزنش (تَرْكُ التَّغْيِيرِ)

یکی از مسائلی که در آموزه‌های اسلامی به شکلی گسترده مورد توجه قرار گرفته، واکنش صحیح و قدوسی در برابر گناهان و لغزش‌های اطرافیان است. این فراز از دعای مکارم الأخلاق نیز به یکی از زوایای این مسأله مهم می‌پردازد؛ یعنی پرهیز از سرزنش شخص گناهکار. از رسول خدا ﷺ روایت شده: «هرکس مؤمنی را سرزنش کند، خداوند در دنیا و آخرت او را سرزنش خواهد کرد». (الکافی، ۲/۳۵۶) در صورتی که شخص از گناه خود پشیمان شده، که هیچ! حتی اگر پشیمان نشده و امکان بازگشت و ارتکاب مجدد آن از سوی او وجود دارد نیز، باید به جای سرزنش، توبیخ و به‌رخ کشیدن خطای او، با او خلوت کنیم و با زبانی خوش و دوستانه به اندرز خیرخواهانه او بپردازیم و او را از عواقب دنیوی و اخروی خطایش آگاه کنیم.

انسان برای بازایستادن از سرزنش دیگران، باید توجه داشته باشد که خود او نسبت به این گناه دو حالت دارد:

- یا خود او نیز مرتکب آن گناه یا گناهانی کوچکتر یا بزرگتر از آن شده است که در این صورت هیچ منصفی به خود اجازه سرزنش دیگری را نمی‌دهد بلکه با دیدن زشتی گناه در دیگری به یاد گناهان خود می‌افتد و با شرمساری در صدد جبران آنها بر می‌آید. در روایتی آمده که از جمله اندرزهای خضر علی‌ه السلام به موسی علی‌ه السلام این بود: «ای پسر عمران، هرگز احدی را بر خطایش سرزنش مکن و [به جای آن] بر گناه خودت اشک بریز!». (قصص الأنبياء، ص ۱۵۷)
- یا خود او مرتکب آن نشده است؛ در این صورت نیز باید توجه داشته باشد که خود او نیز ممکن است در آینده در معرض همین گناه قرار گیرد و مرتکب آن گردد؛ حتی در برخی از روایات عاقبت کسی که دیگری را سرزنش می‌کند همین دانسته شده است؛ از امام صادق علی‌ه السلام روایت شده: «هرکه مؤمنی را بر گناهی سرزنش کند، از دنیا نخواهد رفت مگر اینکه خود نیز آن را مرتکب گردد».

(الکافی، ۲/۳۵۶)

۴) احسان نکردن به کسی که شایسته احسان نیست (تَرْكُ ... الْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ)

دست بخشنده داشتن، نیکوست ولی نه در هر جایی و به هر کسی! بلکه در جایی که شایسته است و برای کسی که سزاوار است؛ از امام صادق علی‌ه السلام روایت شده:

اگر خواستی بدانی که آیا شخصی به سوی خیر می‌رود یا به سوی شر، نگاه کن که بخشش و نیکوکاری اش را کجا انجام می‌دهد؛ اگر در حق کسانی انجام می‌دهد که

شایستگی و اهلیت آن را دارند، بدان که به سوی خیر در حرکت است و اگر در حق کسانی انجام می‌دهد که شایستگی و اهلیت آن را ندارند، بدان که در آخرت هیچ بهره‌ای

نخواهد داشت. (الکافی، ۳۱/۲)

مثلاً برخی به جای بخشش به فقرا و نیازمندان، جود و بخشش خود را نثار ثروتمندان و صاحب نفوذان می‌کنند؛ به آنان هدایای نفیس می‌دهند و آنان را به مهمانی‌های پرزرق و برق دعوت می‌کنند؛ یا مثلاً به جای دستگیری از مؤمنین و انسان‌های شایسته، به بذل و بخشش به بزهکاران و بی‌دینانی می‌پردازند که ممکن است از همین بخشش، در راه معصیت خداوند جَلَّالَهِ و ضربه زدن به جامعه اسلامی استفاده کنند یا مثلاً به جای بخشش و ایجاد زمینه اشتغال برای انسان‌های آبرومند، به سراغ متکدیانی می‌روند که گدایی را به عنوان شغل اختیار کرده‌اند و بدون اینکه سودی به جامعه رسانند همچون انگلی از آن تغذیه می‌کنند. در این رابطه کلامی زیبا و پر بار از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده که بخشی از آن چنین است:

افرادی از شما که اموالی دارند، [باید بدانند که] بخشش آن اموال، در جایی که سزاوار نیست، تبذیر و اسراف است ... پس در میان شما آنکه مالی دارد باید با آن صله رحم به جای آورد و به نیکی، از میهمان پذیرایی کند و اشخاص گرفتار، اسیر و در راه مانده را رهایی دهد؛ چرا که نائل شدن به این امور، کرامت دنیا و شرافت آخرت است. (الکافی، ۳۱/۴۰)

۵) حق‌گویی اگرچه سخت باشد (الْقَوْلُ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ)

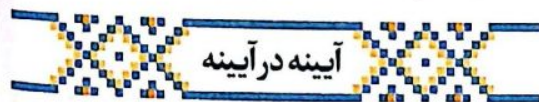
سیدعلی‌خان مدنی رحمته‌الله، شارح ادیب و زبان‌دان صحیفه سجادیه احتمالات متعددی را در معنای این فراز نورانی مطرح نموده است که در اینجا چهار معنا ذکر می‌گردد:

ا. سخن حق بگویم هر چند شنیدن آن برای شنونده سخت باشد.

ب. سخن حق بگویم هر چند گفتن آن برای من سخت باشد.

ج. سخن حق بگویم هر چند که چنین سخنانی اندک باشد و سخنان باطل جامعه را پر کرده باشد.

د. سخن حق بگویم هر چند حق و طرفداران آن در جامعه اندک باشند.



وَلَا تَلْسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكُنُوا الْحَقَّ
وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

و حق را به باطل در نیامیزید و حق را پنهان نکنید
با آنکه می‌دانید.

بقره: ۴۲

بنابراین در موارد بسیاری حق‌گویی برای خود انسان و یا شنوندگان تلخ و دشوار است. اما ساحت حق و حقیقت چنان ارزشمند است که انسان صالح و پرهیزکار هرگز در برابر این تلخی‌ها و دشواری‌ها سر خم نمی‌کند و از حق‌گویی

منصرف نمی شود. امیرالمؤمنین علیه السلام به یکی از یاران خود می فرماید: «حق، برترین سخن است و کسی که آن را اعلام می کند، مجاهد است» (الأمالی (المفید)، ص ۵). همچنین ایشان از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است: «باتقواترین مردم کسی است که سخن حق بگوید، چه به نفع او باشد چه به ضرر او». (من لایحضره الفقیه، ۳۹۵/۴)

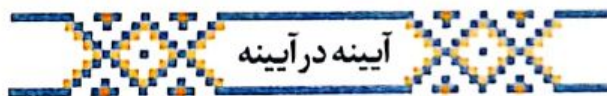
گفتنی است حق گویی به این معنا نیست که انسان هر حقیقتی را که می داند در هر شرایطی و با هر مخاطبی بر زبان جاری کند؛ بلکه مثلاً در شرایطی که گفتن حق ضرورتی ندارد و باعث به خطراتان جان انسان یا اطرافیانش می شود، تقیه واجب می شود که در این صورت، حق گویی نه تنها پسندیده نیست بلکه حرام است. همچنین اگر گفتن حقیقت به مخاطبی که آمادگی شنیدن و فهم آن را ندارد، باعث برداشت غلط و انحراف او گردد، باید از گفتن حقیقت به او صرف نظر کرد. بنابراین حق گویی پسندیده در جایی است که:

اولاً: بر زبان آوردن حق ضرورت یا فایده ای قابل توجه داشته باشد.

ثانیاً: برگفتن آن، مفسده ای بزرگ تر مترتب نشود.

با وجود چنین شرایطی نباید دشواری ها، مانع حق گویی انسان شود؛ مانند اینکه:

- در مناظره ای علمی یا سیاسی، طرف مقابل بطلان سخن ما را با دلایلی روشن اثبات می کند؛ اعتراف به حق برای ما سخت است چون به معنای پذیرش شکست است ولی این سختی نباید مانع ما از پذیرش حق و اعتراف به آن گردد.



آیین در آیین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ
وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ

ای کسانی که ایمان آورده اید، برپادارندگان عدالت و گواهی دهندگان برای خدا باشید گرچه به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشان تمام شود.

النساء: ۱۳۵

- در دادگاهی حق مؤمنی دارد پایمال می شود و شهادت ما می تواند به داد او برسد؛ ولی این شهادت به ضرر یکی از آشنایان ما تمام می شود و می تواند رابطه ما را با او دچار خدشه کند. آری، این شهادت سخت است ولی انسان صالح و پرهیزکار هرگز از آن صرف نظر نمی کند؛ از امام صادق علیه السلام روایت شده: «مؤمن بر مؤمن هفت حق دارد که

واجب ترین آنها این است که انسان حق را بگوید هرچند علیه خود و پدر و مادرش باشد؛ او نباید به خاطر آنها از حق منحرف شود». (تفسیر القمی، ۱۵۶/۱)

- اسلام در خطر است و تبلیغات دشمنان افکار جامعه را مسموم کرده است و طرفداران باطل فراوان شده اند. دفاع از اسلام و حق گویی ممکن است جایگاه ما را در میان اطرافیان به خطر اندازد ولی

این نباید مانع ما گردد.

در این شرایط است که حق‌گویی زینت انسان و مایه افتخار او می‌گردد؛ روایت شده که عباس عمومی پیامبر ﷺ از ایشان پرسید: زیبایی مرد به چیست؟ ایشان فرمود: «صَوَابُ الْقَوْلِ بِالْحَقِّ؛ درستی سخن حقی که بر زبان می‌آورد». (الأمالی (للطوسی)، ص ۴۹۷)

تذکر مهم؛ شرحی که ارائه گردید بر اساس این بود که «القول بالحق» به معنای «جاری کردن سخن حق بر زبان باشد»؛ ولی احتمالی قوی نیز وجود دارد که «القول بالحق» به معنای «التزام به حق و پذیرش آن به عنوان اعتقاد» باشد در این صورت معنای این فراز بر اساس یکی از احتمالات این خواهد شد: «حق را برگزینم هرچند دشوار باشد».

۶) **اندک شمردن گفتار و کردار نیک خود اگرچه بسیار باشد** (اِسْتِقْلَالِ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي)
امام سجاد علیه السلام از خداوند جلّ و علا می‌خواهد به ایشان توفیق دهد که کارهای خیر و نیک خود را گرچه فراوان باشد، اندک به شمار آورد؛ چراکه:

اولاً؛ نیکوکاری حقیقی چه در قالب انجام اعمال عبادی باشد و چه در قالب نیکوکاری در حق مردم، زمانی به وقوع می‌پیوندد که در راستای عمل به وظایف بندگی در برابر خداوند جلّ و علا باشد. اما انسان هر اندازه هم که تلاش کند، هرگز نمی‌تواند حق بندگی خداوند جلّ و علا را به جای آورد؛ پس هر اندازه هم که در ظاهر عمل خیر انسان فراوان و بااهمیت باشد، در محضر کبرایی خداوند جلّ و علا، اندک و ناچیز است. به قول سعدی:

از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید
بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد
ورنه سزاوار خداوندیش کس نتواند که به جای آورد

ثانیاً؛ کسی که اعمال نیک خود را فراوان می‌بیند، ممکن است از سویی دچار عُجب و خودبینی شود و از سویی دیگر احساس کند به اندازه کافی به وظیفه خود عمل کرده است و در نتیجه رغبت و میلش به انجام کارهای نیک دیگر، کم گردد. درحالی‌که هرگز نه جامعه از کارهای خیر نیکوکاران بی‌نیاز می‌شود و نه خود شخص نیکوکار از برکات اخروی و معنوی آن.

ثالثاً؛ بزرگ دیدن کار نیکی که انسان در حق دیگری انجام می‌دهد، ممکن است به منت‌گذاری و توقع پاداش از او بیانجامد که این هر دو، ارزش اخروی و حتی دنیوی کار نیک را از میان بر می‌دارند.
۷) **بسیار شمردن گفتار و کردار بد خود اگرچه اندک باشد** (اِسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَإِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي)
یکی دیگر از ویژگی‌های زیورگونه صالحان و متقیان این است که گناهان و کارهای ناشایست خود را - هرچند در ظاهر کوچک و اندک باشند- بسیار بزرگ و فراوان می‌بینند؛ چراکه می‌دانند:



درس چهارم
نیایش ۲۰

اولاً؛ گناه هر اندازه هم که کوچک باشد، از آنجا که معصیت و نافرمانی خداوند جَلَّالَهِ است، بسیار بزرگ است؛ خداوندی که در نهایت عظمت و بزرگی قرار دارد و آفریدگار آنان است و به آنان نعمت‌های بی‌شمار عطا کرده است و در عین مهربانی بی‌اندازه‌اش، عذاب و کیفرش بی‌اندازه سخت و دشوار است؛ از پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده: «لَا تَنْظُرُوا إِلَى صِغَرِ الذَّنْبِ وَلَكِنْ انْظُرُوا إِلَى مَنْ اجْتَرَأْتُمْ؛ به کوچکی گناه نگاه نکنید بلکه به آنکه نسبت به او گستاخی کرده‌اید بنگرید».

(کثر الفوائد، ۵۵/۱)

اشارت و هدایت

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به همراه یارانش وارد سرزمینی خشک و بی‌آب و علف گردید و از یاران خود خواست که هیزم بیاورند. یاران با تعجب گفتند: ما در مکانی خشک و بی‌آب و علف هستیم، در اینجا هیزمی وجود ندارد. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر کس هر اندازه که می‌تواند بیاورد. اصحاب چنین کردند و یکی پس از دیگری قطعه‌های کوچکی از چوب و خاشاک را بر روی هم ریختند. پس از چندی در مقابل پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مقدار زیادی هیزم جمع شد. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رو به یارانش کرد و فرمود: «گناهان نیز این‌گونه بر روی هم جمع می‌شوند؛ از گناهانی که آنها را کوچک می‌پندارید، بپرهیزید...»

(الکافی، ۲/۲۸۸)

ثانیاً؛ کوچک شمردن گناهان و کارهای ناشایست باعث می‌شود انسان نسبت به آنها بی‌مبالا گردد و بر آنها اصرار کند و گناهی بر روی گناه دیگر آورد؛ از امام موسی کاظم عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده: «کارهای خیر فراوان را فراوان بشمارید و گناهان اندک را کم به حساب نیاورید؛ چرا که گناهان اندک جمع می‌شوند و فراوان می‌گردند». (الکافی، ۲/۲۸۷)

ثالثاً؛ در روایات آمده است که گناهانی که کوچک شمرده می‌شوند، مورد آمرزش الهی قرار نمی‌گیرند؛ از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده: «از گناهانی که کوچک شمرده می‌شوند، پرهیز کنید چرا که این‌گونه گناهان آمرزیده

نخواهند شد!؛ سؤال شد که مقصود از کوچک شمردن گناه چیست؟ حضرت فرمود: «اینکه انسان گناهی بکند و بعد با خود بگوید: خوشا به حال من اگر گناهی جز این گناه نداشته باشم!». (همان)

■ شرط کمال ویژگی‌های گفته شده ■

پس از درخواست این خصلت‌های زیبا که صالحان و پرهیزکاران را آراسته‌اند، امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام از پروردگار می‌خواهد، آنها را برای ایشان کامل گرداند؛ از نگاه ایشان، کمال آنها به امور زیر بستگی دارد:

(۱) فرمان‌برداری همیشگی از خداوند جَلَّالَهِ (وَ أَكْمَلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ)

آنچه اصل همه این زینت‌ها و زیبایی‌هاست، فرمان‌برداری و اطاعت از خداوند جَلَّالَهِ است که اگر نباشد همه آنها بی‌فروغ می‌گردد. انسان هر اندازه هم که در ارتباطش با مردم خوش بدرخشد، مادامی که ارتباطش را با خداوند جَلَّالَهِ اصلاح نکند، به قلّه انسانیت و اخلاق، نائل نشده است. به علاوه، کمال

و زیبایی همین صفات شایسته اجتماعی نیز درگرو این است که در راستای بندگی خداوند جَلَّالَ وَ دَلَّالَ و در دایره عبودیت او باشد؛ بدین ترتیب که:

اولاً: به نیت تقرب به خداوند جَلَّالَ وَ دَلَّالَ و کسب رضای او باشند؛

ثانیاً: همان گونه که پروردگار می پسندد انجام گیرند و در آنها احکام الهی و دستورات دینی رعایت شوند. نقل شده هنگامی که خداوند جَلَّالَ وَ دَلَّالَ به ابلیس فرمان داد بر حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ سجده کند، به خداوند عرضه داشت: ای پروردگار من، اگر مرا از سجده بر آدم معاف بداری تو را چنان عبادت خواهم کرد که احدی تا کنون عبادت نکرده است! خداوند جَلَّالَ وَ دَلَّالَ فرمود: «من دوست دارم همان گونه که می خواهم عبادت شوم». (قصص الانبیاء، ص ۴۳)

۲) همراهی با جماعت (و لزوم الجماعه)

دومین شرط کمال ویژگی های یاد شده، «همراهی با جماعت» است. به نظر می رسد که این فراز از دعا ناظر به بخشی از خطبه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ است که در اواخر عمر شریفش در مسجد خیف ایراد فرموده؛ ایشان در آن خطبه می فرماید:

سه امر است که با وجود آنها قلب هیچ مسلمانی منحرف نمی گردد: خالص ساختن عمل برای خدا، خیرخواهی برای پیشوایان مسلمانان و همراهی با جماعت آنان. (الکافی، ۴۰۳/۱)

با توجه به شروح صحیفه سجادیه دو معنا برای این عبارت محتمل است که با هم تفاوتی اندک دارند؛ گفتنی است گرچه هر دو معنای نفسه درست هستند ولی اینکه مقصود امام عَلَيْهِ السَّلَامُ کدامیک از این دو معناست را ظاهراً نمی توان با قطعیت مشخص کرد:

معنای اول: مقصود از جماعت، امت بزرگ اسلام است و مقصود از همراهی، حفظ وحدت و انسجام و همکاری با امت مسلمان، برای رسیدن به اهداف بزرگ اسلام و مقابله با دشمنان آن و عدم همکاری با کافران و گمراهان است. البته محور وحدت باید اعتقادات و احکام حقه ای باشد که همه امت اسلامی در آن مشترک هستند و آن را پذیرفته اند (رجوع کنید: آفاق الروح، ۴۹۹/۱)؛ مؤید این احتمال روایتی از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ است:

با انبوه مردم همراه گردید که دست خدا با جماعت است. از تفرقه و تک روی بپرهیزید که مردم تک رو، بهره شیطان شوند؛ چنان که گوسفند تک رو، بهره گرگ گردد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷)

همچنین از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده:

هرکس به اندازه یک وجب از جماعت مسلمانان فاصله بگیرد، رشته اسلام را از گردن خود برکنده است. (الکافی، ۴۰۵/۱)

معنای دوم: مقصود، جماعت شیعیان است؛ مرحوم سید علی خان مدنی می نویسد: «مقصود از



سکادله
مکمل



درس چهارم
نیایش ۲۰

جماعت در اینجا مؤمنانی هستند که همگی مذهب حق را پذیرفته اند که ائمه علیهم السلام و شیعیان شان بر گرد آن جمع شده اند؛ روایت شده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد جماعت امتش سؤال شد، ایشان فرمود: «جماعت امت من، اهل حق هستند هر چند اندک باشند» و در روایت دیگری آمده است: «کسانی که بر حق هستند، گرچه ده نفر باشند!». (معانی الأخبار، ص ۱۵۴)

وجه اشتراک این دو معنا این است که انسان باید به دسته ها و گروه های حق محور بپیوندد و با آنان همکاری کند، تا بدین ترتیب هم به پیشبرد اهداف والای آنان کمک کند و هم خود از افتادن به دام انحراف و گروه های منحرف در امان بماند.

۳) رها کردن بدعتگذاران و کسانی که به آراء ساختگی خود [در دین] عمل می کنند (رَفَضِ أَهْلِ الْبِدْعِ وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ)

سومین شرط کمال ویژگی های پیش گفته، دوری از بدعت ها و آرای ساختگی است. براساس روایات، عمل به بدعت ها نه تنها اجر و فایده ای به دنبال ندارد، بلکه گمراهی است و عاقبت آن آتش است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش است». (الکافی، ۵۷/۱)

پس از درگذشت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، صافی و زلالی آب حیات بخش احکام و معارف اسلامی توسط بدعت های بدعت گزاران تا حدی دگرگون گردید. رسول خدا صلی الله علیه و آله که از پیش، این حقیقت اندوه برانگیز را می دانست، در حدیث ثقلین، اهل بیت خود را در کنار قرآن، به عنوان مراجع علمی پس از خود معرفی کرد تا مسلمانان با مراجعه به آنان درست را از نادرست تشخیص دهند و به دام این بدعت ها و آرای ساختگی نیافتند. روایت شده یونس بن عبدالرحمن، یکی از یاران دانشمند امام موسی کاظم علیه السلام، از ایشان پرسید: چگونه خداوند جل جلاله را به یگانگی بپرستیم؟ حضرت فرمود:

ای یونس، هرگز بدعت گزار مباش؛ هر کس [در مسائل دینی] به رأی و نظر خود تکیه کند، هلاک خواهد شد و هر که اهل بیت پیامبرش صلی الله علیه و آله را رها کند، گمراه خواهد شد و هر کس کتاب خدا و سنت پیامبرش را رها کند، کافر خواهد شد. (الکافی، ۵۶/۱)

بنابراین راه رهایی از دام این بدعت های خانمان برانداز پناه بردن به دامن قرآن و اهل بیت علیهم السلام است. البته افرادی که خود توانایی استخراج احکام و معارف را از منابع اصلی ندارند، باید به علما و مراجع، مراجعه نمایند و دستورات دینی را از آنان دریافت کنند؛ چرا که در دوران غیبت، آنان از سوی اهل بیت علیهم السلام به عنوان مراجع علمی معرفی شده اند.

در این نیایش از امام سجاد (ع) آموختیم که باید کار خیرمان را، هرچند فراوان باشد، اندک شمریم. اما در مقابل، در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «کار خیر اندک را، کم شمار؛ چراکه آن را در روز قیامت به گونه ای خواهی دید که تو را شادمان می کند و کارِ شَرِ اندک را نیز کم شمار، چراکه آن را در روز قیامت به گونه ای خواهی دید که تو را آزرده می کند» (الزهد، ص ۱۶). عجیب نیست؟! امام سجاد (ع) می فرماید: کار خیر، حتی فراوانش را کم شمار و سبب گرامی اش امام صادق (ع) می فرماید: کار خیر حتی اندکش را کم شمار! چگونه می توان این دو فرمایش را با هم جمع کرد؟!

در مواجهه انسان با عمل خیر، دو گونه آفت ممکن است گریبانگیر او شود؛ یکی پیش از عمل و یکی پس از عمل. روایت امام صادق (ع) در صدد نفی آفتی است که پیش از عمل ممکن است گریبانگیر انسان شود؛ آفتی که می تواند رغبت انسان را به آن عمل از میان بردارد و مانع انجام آن شود؛ یعنی پندار اینکه آن عمل، ناچیز و کم اثر است و بود و نبود آن تفاوت چندانی ندارد. ریشه این پندار، مشاهده آثار ظاهری و دنیوی اندک آن عمل است که به چشم انسان ظاهر بین نمی آید. اما توجه به نکته ای که امام صادق (ع) تذکر داده است، این پندار باطل را از میان بر می دارد: چهره حقیقی اعمال و ارزش و آثار واقعی آن نزد خداوند (عز و جل) در روز قیامت آشکار می گردد؛ هر عمل نیکی که برای رضای خداوند (عز و جل) انجام گیرد، در روز قیامت بسیار بزرگ و ارزشمند خواهد بود. به نظر می رسد دو حکمت نورانی زیر از نهج البلاغه نیز ناظر به همین امر است:

• کار نیک را به جای آورید، و چیزی از آن را ناچیز بشمارید، زیرا کار نیک خردش بزرگ، و اندکش بسیار است... (حکمت ۴۲۲)

• هیچ عملی به همراه تقوا اندک نیست و چگونه اندک باشد آنچه که پذیرفته می شود. (حکمت ۹۵)

اما فرمایش امام سجاد (ع) ناظر به آفت هایی است که معمولاً پس از انجام عمل نیک، به جان انسان و اعمال نیک او می افتند. اگر انسان پس از انجام کار نیک آن را بزرگ شمارد، لااقل سه پیامد ناگوار در انتظار اوست که در متن درس به آنها اشاره گردید.

خلاصه اینکه نگاه صحیح به کار خیر این است که:

- کار خیر هرچند ظاهر دنیایی آن اندک یا کوچک باشد، انجام دادنی است، چراکه اثر آخرتی آن بزرگ است.
- کار خیر هرچند ظاهر دنیایی آن بسیار یا بزرگ باشد، در مقام بندگی خداوند (عز و جل) ناچیز و نادیدنی است چراکه با هیچ کاری نمی توان حق بندگی خداوند (عز و جل) را به جای آورد.



۲۸) اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجَلِي وَحَقِّقْ فِي رَجَائِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي وَسَهِّلْ لِي

بُلُوغَ رِضَاكَ سُئِلِي وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي.

۲۹) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَنَهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْعَقْلَةِ وَ

اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهَلَةِ وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً

أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

۳۰) اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ

خَلْقِكَ قَبْلَهُ وَأَنْتَ مُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

۲۸) معبودا! عمرم را با بخشایش به پایان بر و آرزویم را در [سایه] امید به مهربانی ات برآور و

راه های مرا برای رسیدن به خشنودی ات، هموار کن و کردارم را در همه حالاتم، نیکو گردان!

۲۹) معبودا! بر محمد و خاندان او درود فرست؛ و مرا در اوقات غفلت، برای یاد خودت، هشیار

ساز و در روزگار مهلت، به فرمانبرداری ات برگمار و راهی آسان به سوی مهرت برایم پدیدار

کن و با آن، خیر دنیا و آخرت را برایم، کامل گردان!

۳۰) معبودا! بر محمد و خاندان او، درود فرست همچون برترین درودی که بر هر یک از

آفریدگانت، پیش از او، فرستاده ای و پس از او خواهی فرستاد و به ما در دنیا نیکی و در

آخرت نیکی عطا کن و مرا به مهر خویش، از عذاب آتش، نگاه دار.

حفظ دعا

وَأَكْمِلْ ذَلِكَ لِي

يَدَوَامِ الطَّاعَةِ وَلُزُومِ الْجَمَاعَةِ وَرَفُضِ أَهْلِ الْبِدْعِ وَمُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ

■ دعای ۲۰: بند ۱۰ ■

پرسش و تمرین

۱. با توجه به متن و ترجمه دعا، واژگان زیر را ترجمه کنید.

كُتِرَ	إِثَارَ	أَكْمَلَ	الْمُسْتَجَبِ
پیشی گرفتن	سرزنش کردن	بدعت‌ها	به کار گیرنده

۲. ترجمه ترکیب‌های زیر را بنویسید.

إِسْتِقْلَالِ الْخَيْرِ	استقلال الخیر
اِسْتِكْثَارِ الشَّرِّ	استکثار الشر
دیدگاه ساختگی	

۳. ترجمه کنید.

واژگان	أَكْمَلَ	ذَلِكَ	لِ	ي	بِ	دَوَامٍ	الطَّاعَةِ	وَ	لُزُومِ	الْجَمَاعَةِ
ترجمه تحت اللفظی										
ترجمه روان										

۴. یکی از فواید پیشی گرفتن به سوی نیکی‌ها را بیان کنید.

۵. به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام شایسته است اموال در چه جاهایی هزینه گردد؟ این فرمایش با کدام فراز از این نیایش در ارتباط است؟



درس چهارم
نیایش ۲۰

۶. چرا باید گناهان کوچک خود را بزرگ بشماریم؟ طبق فرمایش امام صادق (ع) چه گناهانی آمرزیده نخواهند شد؟

۷. راه‌هایی از بدعت‌ها چیست؟

مطالعه و پژوهش

۱. یکی از خواسته‌های امام سجاد (ع) در این نیایش این بود: «اَسْتَقْلَالِ الْخَيْرِ وَ اِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي»؛ چنانچه در متن درس اشاره شد این خواسته می‌تواند، زمینه صفت ناپسند عجب یا خودبینی را در انسان از میان برد. نوشته‌ای کوتاه در مورد این صفت ناپسند تهیه کنید و با اشاره به میزان ناپسند بودن آن در متون دینی، زمینه‌های آن و راه‌های درمان آن را بیان کنید؟

■ منبع مطالعه و پژوهش:

معراج السعاده، ص ۲۶۵.

چهل حدیث، امام خمینی (ره)، حدیث سوم.

مراحل اخلاق در قرآن، آیت الله جوادی آملی، ص ۹۲.

۲. در دو درس گذشته با ویژگی‌های صالحان و متقیان آشنا شدیم و دیدیم که درخواست امام سجاد (ع) از خداوند جلّ و علا آراستگی به این ویژگی‌های زیبا بود. در صحیفه سجادیه و دیگر نیایش‌های پیشوایان معصوم (ع) علاوه بر این دو گروه، به گروه‌های دیگری نیز - چه مثبت و چه منفی - اشاره شده و خواسته‌هایی در رابطه با آنها مطرح گردیده است. به عنوان نمونه به نیایش ۴۷ مراجعه و بندهای ۸۶ تا ۱۰۶ آن را مطالعه کنید و به گروه‌های مثبت و منفی گوناگونی که مطرح شده اشاره نمایید و خواسته‌های امام سجاد (ع) در رابطه با آنها را ارائه دهید.



سجاده
مکمل



آراستگی
صالحانه (۲)

تنش‌ها و واکنش‌ها

۷) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَأَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةَ
وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ
وَمِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثَّقَّةَ
وَمِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْنَيْنِ الْوَلَايَةَ
وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبَرَّةَ
وَمِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النُّصْرَةَ
وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِينَ تَصْحِيحَ الْمَقَّةِ
وَمِنْ رَدِّ الْمُلَاسِيَنِ كَرَمَ الْعِشْرَةِ
وَمِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمْنَةِ.

۸) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَاجْعَلْ لِي
يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي
وَلِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي
وَظَفَرًا بِمَنْ عَانَدَنِي

۷) معبودا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست

و نفرت کینه‌توزان را نسبت به من به مهر بدل کن
و حسادت ستم پیشگان را به مهربانی
و بدگمانی درستکاران را به اطمینان
و دشمنی نزديکان را به دوستی
و بدرفتاری خویشاوندان را به نیک رفتاری
و واگذاری بستگان نزدیک را به مددکاری
و محبت ظاهری مداراکنندگان را به محبت راستین
و راندن معاشران و همکاران را به حسن معاشرت
و تلخی بیم از ستمگران را به شیرینی امنیت.

۸) معبودا! بر محمد و خاندان او درود فرست

و قرار ده برای من
دست قدرتی در برابر آن که به من ستم کند،
و زبان گویایی در برابر آن که با من مشاجره نماید،
و چهره‌گی و پیروزی بر آن که به ناحق در برابر من بایستد.

وَهَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِي
 وَفُدْرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَدَنِي
 وَتَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي
 وَسَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي
 وَوَفَّقْنِي لِبَطَاعَةِ مَنْ سَدَّدَنِي
 وَمُتَابَعَةِ مَنْ أَرْشَدَنِي.
 ۹) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 وَسَدَّدَنِي
 لِأَنْ أُعَارِضَ مَنْ عَشَّيْنِي بِالتُّصْحِ
 وَأَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْإِرِّ
 وَأُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَدْلِ
 وَأُكَافِيَ مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ
 وَأُخَالِفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ
 وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ
 وَأُغْضِيَ عَنِ السَّيِّئَةِ.

وارزانی دار به من، ترفندی در برابر آن که بامن نیرنگ بازد،
 و قدرتی در برابر آن که بر من چیره شود و ستم ورزد،
 و راه انکاری در برابر آن که از من بدگویی کند،
 و به سلامت رهیدن از کف آن که تهدیدم کند
 و توفیقم ده برای اطاعت از آن که مرا به راه درست می برد
 و پیروی از آن که مرا به راه درست راهنمایی می کند.
 ۹) معبودا! بر محمد و خاندان او درود فرست
 و به من توفیق ده و مرا بر این راستا بدار که
 با آن که بامن ناراستی کرده، با خیرخواهی مقابله کنم
 و آن که را از من دوری گزیده، با نیکی جزا دهم
 و آن که مرا محروم ساخته، با بخشش، پاداش دهم
 و آن که را از من گسسته، با پیوستن، عوض دهم
 و با آن که از من غیبت کرده، با ذکر خیر، مخالفت ورزم
 و نیکی را سپاس گویم
 و از بدی، چشم بپوشم.

نمایی از دعا

زندگی در جامعه با وجود همه خوبی ها و خوشی هایش
 همواره با ناگواری ها، درگیری ها و دل مشغولی هایی آمیخته است.
 انسان حق پو و خداجو چگونه با این مسائل ناخوشایند مواجه می شود؟

واژگان مهم

• با توجه به متن درس و ترجمه آن، معنای واژگان زیر را بنویسید.

خَلَاوَةٌ	مَرَارَةٌ	خِذْلَان	عُقُوق	أَبْدِلْ
النُّصْح	غَشَّ	عَانَدَ	خَاصَمَ	ظَلَمَ
أُغْضِي	اِغْتَابَ	أَكْفَيْ	أُثِيبَ	أُجْزِي

شرح واژگان

کلمه	معنا	شرح
سَدَّدَ	به سمت صحیح جهت داد، به راه درست هدایت کرد	ماده «س د د» به معنای ترمیم و پرکردن شکاف یا سوراخی در یک شیء و درست کردن آن است. سَدَّدَ فَعِل ماضی از باب تفعیل به معنای جهت دادن به سمت صحیح و هدایت کردن به راه درست است. این معنا از واژه سَدَاد گرفته شده که به معنای استواری و درستی است. گویا چیزی که استوار و درست است هیچ شکاف و روزنه‌ای در آن وجود ندارد.
أَرْشَدَ	به راه درست هدایت کرد	ماده «ر ش د» به معنای راه یافتگی به نیکی و درستی است. أَرْشَدَ فَعِل ماضی از باب إفعال، به معنای راه نشان دادن و هدایت کردن است. رُشِدَ به معنای راه یافتگی و متضاد آن غَیْ به معنای گمراهی است. واژه‌های آشنای دیگر از این ریشه عبارت‌اند از: رشید، مُرشد، ارشاد و رشادت.
الشَّانِ	نفرت و کینه	ماده «ش ن أ» به معنای نفرت داشتن از یک شیء و دوری کردن از آن است. الشَّانُ مصدر فعل شَتَّأَ يَشْتَأُ، به معنای نفرت داشتن و دوری کردن است. آشناترین واژه از این ریشه، شاید واژه‌ای باشد که بارها در سوره کوثر خوانده‌ایم؛ یعنی «شانیء»، که اسم فاعل از همین فعل است: ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ (کوثر: ۳)؛ «بی شک آنکه از تو متنفر است [و به تو زخم زبان می‌زند]، هموست که مقطوع النسل است».



درس پنجم
نیایش ۲۰

■ تنش‌ها ...

انسان موجودی اجتماعی است که رشد و تکاملش در سایه حضور در اجتماع و ارتباط با سایر انسان‌ها رقم می‌خورد. اگر همواره میان انسان‌ها محبت، اعتماد، عدالت و درستکاری حاکم می‌بود، هیچ مشکلی پیش نمی‌آمد؛ همه به حقوق یکدیگر احترام می‌گذاشتند و به وظایف خود در قبال یکدیگر عمل می‌کردند. اما متأسفانه دنیای واقعی به شکل دیگری است! در موارد فراوانی، ارتباط انسان‌ها با یکدیگر دچار تنش و اختلال می‌شود و به دنبال آن نه تنها بهره‌ای را که انسان از زندگی در اجتماع انتظار دارد، به دست نمی‌آورد، بلکه حقوق و داشته‌هایش نیز از سوی دیگران در معرض خطر و تهدید قرار می‌گیرد.

سؤال اینجاست که یک انسان مؤمن و خداجو چگونه باید با این تنش‌ها و مشکلات مواجه شود؟ در این درس خواهید دید که در نگاه قدسی امام سجاد علیه السلام، برای مواجهه با تنش‌ها باید سه نکته زیر را مدنظر قرار داد:

اولاً: زمینه‌های تنش با دیگران را از میان بردارد.

ثانیاً: باید در خود، توان و قدرت مقابله با تنش‌ها و بدرفتاری‌های دیگران و همچنین دفاع از حقوق خود و دیگر افراد جامعه را تقویت کند.

ثالثاً: در مواردی که مصلحتی برخلاف آن وجود ندارد، از خطاهای دیگران چشم‌پوشی کند؛ بلکه بدی‌های دیگران را با خوبی پاسخ دهد.

با رعایت این سه نکته، جامعه به سمت صلح و دوستی پیش می‌رود و افراد آن به جای مشغول شدن به درگیری‌های بیهوده، در مسیر رشد و تعالی خود قدم می‌گذارند و البته در مواقع لزوم از حقوق خود و دیگران دفاع می‌کنند.

■ زمینه‌های تنش

عمده درخواست‌های حضرت زین‌العابدین علیه السلام در این فرازاها، رفع زمینه‌هایی است که می‌تواند برای انسان در ارتباط با دیگران مشکل و تنش ایجاد کند. گفتنی است گرچه بود یا نبود بسیاری از این زمینه‌ها از دست انسان خارج است و تنها اقدامی که برای رفع آنها می‌تواند انجام دهد، دعا و تضرع به درگاه الهی است؛ ولی در موارد بسیاری نیز، اقدامات خود انسان، زمینه این تنش‌ها را فراهم می‌کند. در این موارد، دعای تنها کافی نیست بلکه انسان باید تلاش کند رفتارهای تنش‌زای خود را اصلاح کند و در کنار آن، با دعا و تضرع چشم به درگاه الهی بدوزد؛ چراکه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده: «الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالزَّامِي بِلَا وَثَرٍ؛ دعاکننده‌ای که هیچ عمل و اقدامی انجام نمی‌دهد، مانند تیراندازی است که با کمان بدون زه می‌خواهد تیراندازی کند». (الجعفریات، ص ۲۲۴)



۱. نفرت و بیزاری کینه‌توزان

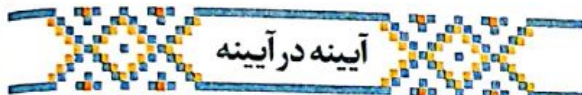
أَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةَ

یکی از خطرناک‌ترین زمینه‌های تهدیدآمیز برای انسان، این است که افراد کینه‌توز، نفرت و بیزاری از او را به دل گیرند و درصدد آسیب‌رساندن به او برآیند. این نفرت و بیزاری می‌تواند دلایل گوناگونی داشته باشد که برخی از آنها به دست خود انسان و برخی از دست او خارج‌اند. انسان باید در مواجهه با چنین افرادی، دقت کند تا زمینه کینه‌توزی آنان را فراهم نکند. البته باید بداند که زمام دل‌ها به دست خداوند عز وجل است و اوست که می‌تواند این نفرت‌ها و بیزاری‌ها را از میان بردارد. از این رو باید همچون امام سجاد علیه السلام دست به درگاه الهی بلند کند و از او بخواهد که دچار این مشکل نشود. گفتنی است امام سجاد علیه السلام به نبود کینه‌توزی و نفرت بسنده نمی‌کند، بلکه فراتر می‌رود و از خداوند عز وجل می‌خواهد که به جای نفرت، محبت و دوستی را در دل آنها قرار دهد تا بدین وسیله احتمال تنش و درگیری بسیار اندک شود و به جای آن، همکاری و دوستی حاکم گردد.

۲. حسادت ستمگران

أَبْدِلْنِي ... مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ

حسد، بیماری اخلاقی و روانی بسیار زشت و خطرناکی است که هم خود شخص حسود را در معرض خطر قرار می‌دهد و هم کسی را که نسبت به او حسد می‌ورزد. شخص حسود که تحمل بهره‌مندی دیگری را از نعمت‌های الهی ندارد، دائماً در دلش خواستار از میان رفتن آن نعمت‌هاست و چه بسا در عمل نیز دست به



قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ *
... وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ

بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌دم * از شر آنچه آفریده *
... و از شر حسودی بدخواه آنگاه که حسادت ورزد.

فلق: ۱ و ۲ و ۵

کارهایی برای از میان بردن آنها بزنند. خطر حسادت زمانی بیشتر می‌شود که شخص حسود، اهل ستم و تجاوز نیز باشد؛ زیرا در این صورت، امکان اقدام عملی او علیه انسان بیشتر می‌شود. از همین روست که امام سجاد علیه السلام از حسادت افراد ظالم و ستمکار به خداوند عز وجل پناه می‌برد و از او می‌خواهد که در دل‌های آنان تصرف کند و حسادت آنان را نسبت به ایشان به محبت تبدیل نماید. در جایی که محبت وجود دارد امکان تحقق حسد بسیار ناچیز می‌شود؛ چرا که انسان نمی‌تواند کسی را دوست داشته باشد و در عین حال بدخواه او نیز باشد؛ در روایتی حکیمانه از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

حَسَدُ الصَّدِيقِ مِنْ سُقْمِ الْمَوَدَّةِ؛ حسادت دوست، ناشی از خلل در محبت و دوستی است.

(نهج البلاغة، حکمت ۲۱۸)

۳. عدم اعتماد افراد درستکار نسبت به انسان

أَبْدِلْنِي ... مِنْ ظَنِّهِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الْيَقَّةِ

ارتباط با انسان‌های دیندار و درستکار، نعمت بسیار بزرگی است که هم در دنیا برای انسان سودمند است و هم سعادت آخرت را تأمین می‌کند. اما اگر این افراد اعتمادشان را نسبت به انسان از دست بدهند، این ارتباط کم‌کم رو به تیره‌گی می‌رود و چه بسا پس از مدتی قطع می‌گردد. انسان باید: ۱. در رفتارش زمینه این بی‌اعتمادی را فراهم نکند.

۲. از خداوند عزوجل بخواهد این بی‌اعتمادی و بدگمانی را به اعتماد تبدیل فرماید.

۴. دشمنی نزدیکان و اطرافیان

أَبْدِلْنِي ... مِنْ عَدَاوَةِ الْأَذْنَيْنِ الْوَلَايَةِ

دشمنی هر شخصی با انسان، خطرناک است؛ ولی دشمنی نزدیکان و اطرافیان بسیار خطرناک‌تر است؛ چراکه آنان از سویی، از نقاط ضعف انسان نسبت به دیگران آگاه‌ترند و از سوی دیگر، معمولاً به انسان دسترسی بیشتری دارند. بنابراین انسان باید:

۱. در حد امکان، با مدارا و محبت، زمینه دشمنی اطرافیان را از میان ببرد؛ چنانکه از پیامبر

خدا ﷺ روایت شده: «مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الزَّفَقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ؛ مدارای با مردم

نیمی از ایمان است و نرم‌خویی با آنان نیمی از زندگی [شیرین] است». (الکافی، ۱۱۷/۲)

۲. از خداوند عزوجل بخواهد نزدیکان و اطرافیان، تبدیل به دشمنان نشوند.

۵. قطع رابطه و بدرفتاری خویشاوندان

أَبْدِلْنِي ... مِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبْرَةِ

خویشاوندان، نعمت‌هایی الهی هستند که انسان می‌تواند در مواقع نیاز به آنها تکیه کند و از پشتیبانی آنان بهره‌برد. در آموزه‌های دینی توصیه‌های اکیدی در مورد صله رحم و نیکی به خویشاوندان وارد شده است؛ بر اساس روایات، صله رحم باعث پاکی اعمال، فراوانی اموال، دفع بلاها، آسانی حساب و به تأخیر افتادن مرگ انسان می‌شود (الکافی، ۱۵۱/۲). اما گاه به دلایل گوناگون، خویشاوندان با انسان قطع رابطه می‌کنند و او را به حال خود رها می‌سازند و چه بسا مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند. در چنین شرایطی مؤمن چه عکس‌العملی باید نشان دهد؟ پاسخ این است که:

اولاً: نباید مقابله به مثل کند و با آنان قطع رابطه کند؛ بلکه باید تلاش کند ارتباط خود را با آنان

حفظ کند و زمینه این قطع ارتباط را تا حد امکان رفع نماید؛ روایت شده شخصی نزد پیامبر ﷺ

آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! خاندان من جزستم، قطع ارتباط و دشنام بر من روا نمی‌دارند؛

آیا می‌توانم آنان را رها کنم؟ فرمود: «اگر چنین کنی، خداوند، هم تو و هم آنان را رها خواهد

کرده؛ عرض کرد: پس چه کنم؟ فرمود: «با کسی که با تو قطع ارتباط کرده، ارتباط برقرار می‌کنی و به کسی که بخشش را از تو دریغ داشته، بخشش می‌کنی و از کسی که به تو ستم کرده، درمی‌گذری؛ چرا که اگر چنین کردی، از جانب خداوند پشتیبانی بر علیه آنان خواهی داشت» (الکافی، ۲/۱۵۰).

ثانیاً: باید همانند امام سجاد علیه السلام در دعاهای خود از خداوند جل جلاله بخواهد که خویشاوندان به جای قطع ارتباط و بدرفتاری با او، به ارتباط و نیکوکاری روی آورند.

۶. رهاشدن و یاری نشدن از سوی خویشاوندان نزدیک

أَبْدِلْنِي ... مِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَةَ
در مواردی که انسان دچار بحران و مشکل می‌شود، معمولاً، بهترین یاوران او خویشاوندان و نزدیکان او هستند. خویشان و نزدیکان معمولاً همدیگر را به منزله اعضای یک پیکر واحد می‌دانند و در نفع و ضرر، و شکست و پیروزی شریک می‌دانند؛ به کارهای نیک همدیگر افتخار می‌کنند و از کارهای ناشایست یکدیگر خجالت می‌کشند. همین ارتباط نزدیک اقتضا دارد که در مواقع سختی پیش از دیگران به کمک یکدیگر روند و همدیگر را رها و بی‌یاور نگذارند. اما گاه مشاهده می‌شود که ارتباطات خویشاوندان چنان سست می‌شود که نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت می‌شوند و در گرداب سختی‌ها همدیگر را رها می‌کنند. امام سجاد علیه السلام در این فراز، از خداوند جل جلاله می‌خواهد موانعی که باعث می‌شود، خویشاوندانش در سختی‌ها به یاری ایشان نیایند برطرف کند و ایشان را از نعمت یآوری آنان بهره‌مند گرداند.

۷. دوستی چالپوسان

وَأَبْدِلْنِي ... مِنْ حُبِّ الْمُدَارِينَ تَضَجِيحَ الْمَقَّةِ
برخی از اطرافیان از انسان دل خوشی ندارند و یا حتی دشمنی او را در دل دارند ولی در ظاهر اظهار دوستی و محبت می‌کنند و در حقیقت، با انسان مدارا و او را تحمل می‌کنند. چنین دوستی و محبت ظاهری:
■ اولاً: دوامی ندارد و هر لحظه ممکن است به دشمنی آشکاری مبدل شود؛
■ ثانیاً: برای انسان تلخ و دردآور است؛ زیرا هر شخصی از اینکه احساس کند دیگران محبت خالصی با او ندارند و تنها از راه مدارا او را تحمل می‌کنند، در رنج و فشار روحی قرار می‌گیرد.
از این رو امام سجاد علیه السلام از خداوند جل جلاله می‌خواهد این دوستی و محبت بیمارگونه و خلل‌آمیز را تبدیل به دوستی و محبتی راستین گرداند.

جماعت در اینجا مؤمنانی هستند که همگی مذهب حق را پذیرفته اند که ائمه علیهم السلام و شیعیان شان بر گرد آن جمع شده اند؛ روایت شده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد جماعت امتش سؤال شد، ایشان فرمود: «جماعت امت من، اهل حق هستند هر چند اندک باشند» و در روایت دیگری آمده است: «کسانی که بر حق هستند، گرچه ده نفر باشند». (معانی الأخبار، ص ۱۵۲)

وجه اشتراک این دو معنا این است که انسان باید به دسته ها و گروه های حق محور پیوندد و با آنان همکاری کند، تا بدین ترتیب هم به پیشبرد اهداف والای آنان کمک کند و هم خود از افتادن به دام انحراف و گروه های منحرف در امان بماند.

۳) رهاکردن بدعت گزاران و کسانی که به آراء ساختگی خود [در دین] عمل می کنند (رَفَضِ أَهْلِ الْبِدْعِ وَ مُسْتَعْمِلِ الزَّأْيِ الْمُخْتَرِ)

سومین شرط کمال ویژگی های پیش گفته، دوری از بدعت ها و آرای ساختگی است. براساس روایات، عمل به بدعت ها نه تنها اجر و فایده ای به دنبال ندارد، بلکه گمراهی است و عاقبت آن آتش است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش است». (الکافی، ۵۷/۱)

پس از درگذشت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، صافی و زلالی آب حیات بخش احکام و معارف اسلامی توسط بدعت های بدعت گزاران تا حدی دگرگون گردید. رسول خدا صلی الله علیه و آله که از پیش، این حقیقت اندوه برانگیز را می دانست، در حدیث ثقلین، اهل بیت خود را در کنار قرآن، به عنوان مراجع علمی پس از خود معرفی کرد تا مسلمانان با مراجعه به آنان درست را از نادرست تشخیص دهند و به دام این بدعت ها و آرای ساختگی نیافتند. روایت شده یونس بن عبدالرحمن، یکی از یاران دانشمند امام موسی کاظم علیه السلام، از ایشان پرسید: چگونه خداوند جل جلاله را به یگانگی بپرستم؟ حضرت فرمود:

ای یونس، هرگز بدعت گزار مباش؛ هر کس [در مسائل دینی] به رأی و نظر خود تکیه کند، هلاک خواهد شد و هر که اهل بیت پیامبرش صلی الله علیه و آله را رها کند، گمراه خواهد شد و هر کس کتاب خدا و سنت پیامبرش را رها کند، کافر خواهد شد. (الکافی، ۵۶/۱)

بنابراین راه رهایی از دام این بدعت های خانمان برانداز پناه بردن به دامن قرآن و اهل بیت علیهم السلام است. البته افرادی که خود توانایی استخراج احکام و معارف را از منابع اصلی ندارند، باید به علما و مراجع، مراجعه نمایند و دستورات دینی را از آنان دریافت کنند؛ چراکه در دوران غیبت، آنان از سوی اهل بیت علیهم السلام به عنوان مراجع علمی معرفی شده اند.

رواق اندیشه

در این نیایش از امام سجاده علیه السلام آموختیم که باید کار خیرمان را، هرچند فراوان باشد، اندک بشمریم. اما در مقابل، در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «کار خیر اندک را، کم بشمار؛ چراکه آن را در روز قیامت به گونه ای خواهی دید که تو را شادمان می کند و کار شتر اندک را نیز کم بشمار، چراکه آن را در روز قیامت به گونه ای خواهی دید که تو را آزرده می کند» (الرهء، ص ۱۶). عجیب نیست؟! امام سجاده علیه السلام می فرماید: کار خیر، حتی فراوانش را کم شمار و سبب گرامی اش امام صادق علیه السلام می فرماید: کار خیر حتی اندکش را کم بشمار!

چگونه می توان این دو فرمایش را با هم جمع کرد؟!

در مواجهه انسان با عمل خیر، دو گونه آفت ممکن است گریبانگیر او شود؛ یکی پیش از عمل و یکی پس از عمل. روایت امام صادق علیه السلام در صدد نفی آفتی است که پیش از عمل ممکن است گریبانگیر انسان شود؛ آفتی که می تواند رغبت انسان را به آن عمل از میان بردارد و مانع انجام آن شود؛ یعنی پندار اینکه آن عمل، ناچیز و کم اثر است و بود و نبود آن تفاوت چندانی ندارد. ریشه این پندار، مشاهده آثار ظاهری و دنیوی اندک آن عمل است که به چشم انسان ظاهر بین نمی آید. اما توجه به نکته ای که امام صادق علیه السلام تذکر داده است، این پندار باطل را از میان بر می دارد: چهره حقیقی اعمال و ارزش و آثار واقعی آن نزد خداوند جل جلاله، در روز قیامت آشکار می گردد؛ هر عمل نیکی که برای رضای خداوند جل جلاله انجام گیرد، در روز قیامت بسیار بزرگ و ارزشمند خواهد بود. به نظر می رسد دو حکمت نورانی زیر از نهج البلاغه نیز ناظر به همین امر است:

• کار نیک را به جای آورد، و چیزی از آن را ناچیز بشمارید، زیرا کار نیک خردش بزرگ، و اندکش بسیار است... (حکمت ۴۲۲)

• هیچ عملی به همراه تقوا اندک نیست و چگونه اندک باشد آنچه که پذیرفته می شود. (حکمت ۹۵)

اما فرمایش امام سجاده علیه السلام ناظر به آفت هایی است که معمولاً پس از انجام عمل نیک، به جان انسان و اعمال نیک او می افتند. اگر انسان پس از انجام کار نیک آن را بزرگ بشمارد، لا اقل سه پیامد ناگوار در انتظار اوست که در متن درس به آنها اشاره گردید.

خلاصه اینکه نگاه صحیح به کار خیر این است که:

- کار خیر هرچند ظاهر دنیایی آن اندک یا کوچک باشد، انجام دادنی است، چراکه اثر آخرتی آن بزرگ است.
- کار خیر هرچند ظاهر دنیایی آن بسیار یا بزرگ باشد، در مقام بندگی خداوند جل جلاله ناچیز و نادیدنی است چراکه با هیچ کاری نمی توان حق بندگی خداوند جل جلاله را به جای آورد.



(۲۸) اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجَلِي وَحَقِّقْ فِي رَجَائِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي وَسَهِّلْ لِي

بُلُوغَ رِضَاكَ سُئِلِي وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي.

(۲۹) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَبَهِّئْ لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ وَ

اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُتَهَلَّةِ وَانْتَهِجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً

أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

(۳۰) اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ

خَلْقِكَ قَبْلَهُ وَأَنْتَ مُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

(۲۸) معبودا! عمرم را با بخشایشت به پایان بر و آرزویم را در [سایه] امید به مهربانیات برآور و

راه‌های مرا برای رسیدن به خشنودیات، هموار کن و کردارم را در همه حالاتم، نیکو گردان!

(۲۹) معبودا! بر محمد و خاندان او درود فرست؛ و مرا در اوقات غفلت، برای یاد خودت، هشیار

ساز و در روزگار مهلت، به فرمانبرداریات برگمار و راهی آسان به سوی مهترت برایم پدیدار

کن و با آن، خیر دنیا و آخرت را برایم، کامل گردان!

(۳۰) معبودا! بر محمد و خاندان او، درود فرست همچون برترین درودی که بر هریک از

آفریدگانت، پیش از او، فرستاده‌ای و پس از او خواهی فرستاد و به ما در دنیا نیکی و در

آخرت نیکی عطا کن و مرا به مهر خویش، از عذاب آتش، نگاه دار.

حفظ دعا

وَأَكْمِلْ ذَلِكَ لِي

بِدَوَامِ الطَّاعَةِ وَلِزُومِ الْجَمَاعَةِ وَرَفُضِ أَهْلِ الْبِدْعِ وَمُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ

■ دعای ۲۰: بند ۱۰ ■

پرسش و تمرین

۱. با توجه به متن و ترجمه دعا، واژگان زیر را ترجمه کنید.

كُنْزٌ	اِثَارٌ	اَتَمِلُ	اَلْمُسْتَحِقُّ
پیشی گرفتن	سرزنش کردن	بدعتها	به کار گیرنده

۲. ترجمه ترکیب های زیر را بنویسید.

اِسْتِفْلَالِ الْخَيْرِ	
اِسْتِكْثَارِ الشَّرِّ	
دیدگاه ساختگی	

۳. ترجمه کنید.

وَاِذَا كَانَ	اَتَمِلُ	ذَلِكَ	لِ	ي	بِ	دَوَامٍ	الطَّاعَةِ	وَ	لُزُومِ	الْجَمَاعَةِ
ترجمه تحت اللفظی										
ترجمه روان										

۴. یکی از فواید پیشی گرفتن به سوی نیکی ها را بیان کنید.

۵. به فرموده امیرالمؤمنین عليه السلام شایسته است اموال در چه جاهایی هزینه گردد؟ این فرمایش با کدام فراز از این نیایش در ارتباط است؟



درس چهارم
نیایش ۲۰

۶. چرا باید گناهان کوچک خود را بزرگ بشماریم؟ طبق فرمایش امام صادق (ع) چه گناهانی آمرزیده نخواهند شد؟

۷. راه‌هایی از بدعت‌ها چیست؟

مطالعه و پژوهش

۱. یکی از خواسته‌های امام سجاد (ع) در این نیایش این بود: «اسْتَقْلَالِ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفُعْلِي»؛ چنانچه در متن درس اشاره شد این خواسته می‌تواند، زمینه صفت ناپسند عجب یا خودبینی را در انسان از میان برد. نوشته‌ای کوتاه در مورد این صفت ناپسند تهیه کنید و با اشاره به میزان ناپسند بودن آن در متون دینی، زمینه‌های آن و راه‌های درمان آن را بیان کنید؟

■ منبع مطالعه و پژوهش:

معراج السعاده، ص ۲۶۵.

چهل حدیث، امام خمینی (ره)، حدیث سوم.

مراحل اخلاق در قرآن، آیت الله جوادی آملی، ص ۹۲.

۲. در دو درس گذشته با ویژگی‌های صالحان و متقیان آشنا شدیم و دیدیم که درخواست امام سجاد (ع) از خداوند جلّ و علا آراستگی به این ویژگی‌های زیبا بود. در صحیفه سجادیه و دیگر نیایش‌های پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) علاوه بر این دو گروه، به گروه‌های دیگری نیز - چه مثبت و چه منفی - اشاره شده و خواسته‌هایی در رابطه با آنها مطرح گردیده است. به عنوان نمونه به نیایش ۴۷ مراجعه و بندهای ۸۶ تا ۱۰۶ آن را مطالعه کنید و به گروه‌های مثبت و منفی گوناگونی که مطرح شده اشاره نمایید و خواسته‌های امام سجاد (ع) در رابطه با آنها را ارائه دهید.

تنش‌ها و واکنش‌ها

﴿۷﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَأَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّيْءِ الْمَحْبُوتِ
وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوْدَةِ
وَمِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثَّقَةِ
وَمِنْ عَدَاوَةِ الْأَذْنَيْنِ الْوَلَايَةِ
وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبَرَّةِ
وَمِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ التُّصَرَّةِ
وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِينَ تَصْحِيحِ الْمَقَةِ
وَمِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِينَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ
وَمِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةِ الْأَمْنَةِ.

﴿۸﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَاجْعَلْ لِي

يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي

وَلِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي

وَظَفْرًا بِمَنْ عَانَدَنِي

﴿۷﴾ معبودا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست

و نفرت کینه‌توزان را نسبت به من به مهر بدل کن

و حسادت ستم پیشگان را به مهربانی

و بدگمانی درستکاران را به اطمینان

و دشمنی نزدیکان را به دوستی

و بدرفتاری خویشاوندان را به نیک رفتاری

و واگذاری بستگان نزدیک را به مددکاری

و محبت ظاهری مداراکنندگان را به محبت راستین

و راندن معاشران و همکاران را به حسن معاشرت

و تلخی بیم از ستمگران را به شیرینی امنیت.

﴿۸﴾ معبودا! بر محمد و خاندان او درود فرست

و قرار ده برای من

دست قدرتی در برابر آن که به من ستم کند،

و زبان گویایی در برابر آن که با من مشاجره نماید،

و چیره‌گی و پیروزی بر آن که به ناحق در برابر من بایستد.

وَهَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِي

و ارزانی دار به من، ترفندی در برابر آن که بامن نیرنگ بازد،

و قُدْرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَدَنِي

و قدرتی در برابر آن که بر من چیره شود و ستم ورزد،

و تَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي

و راه انکاری در برابر آن که از من بدگویی کند،

و سَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي

و به سلامت رهیدن از کف آن که تهدیدم کند

و وَفْقِي لِبَاطِعَةٍ مِّنْ سَدَدَنِي

و توفیقم ده برای اطاعت از آن که مرا به راه درست می برد

و مُتَابَعَةٍ مِّنْ أَرْشَدَنِي.

و پیروی از آن که مرا به راه درست راهنمایی می کند.

﴿٩﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

﴿٩﴾ معبودا! بر محمد و خاندان او درود فرست

و سَدَدَنِي

و به من توفیق ده و مرا بر این راستا بدار که

لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّيَنِي بِالتُّصْحِ

با آن که بامن ناراستی کرده، باخیرخواهی مقابله کنم

و أَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ

و آن که را از من دوری گزیده، با نیکی جزا دهم

و أَثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ

و آن که مرا محروم ساخته، با بخشش، پاداش دهم

و أَكَاثِيَ مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ

و آن که را از من گسسته، با پیوستن، عوض دهم

و أَخَالِفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ

و با آن که از من غیبت کرده، با ذکر خیر، مخالفت ورزم

وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ

و نیکی را سپاس گویم

وَأُغْضِيَ عَنِ السَّيِّئَةِ.

و از بدی، چشم بپوشم.

نمایی از دعا

زندگی در جامعه با وجود همه خوبی ها و خوشی هایش
همواره با ناگواری ها، درگیری ها و دل مشغولی هایی آمیخته است.
انسان حق پو و خداجو چگونه با این مسائل ناخوشایند مواجه می شود؟

واژگان مهم

* با توجه به متن درس و ترجمه آن، معنای واژگان زیر را بنویسید.

خَلَاوَةٌ	مَرَاةٌ	خِذْلَانٌ	عُقُوقٌ	أَبْدِلْ
النُّضْحُ	عَشَّ	عَانَدٌ	خَاصِمٌ	ظَلَمَ
أَغْضِي	اغْتَابَ	أُكَاغِي	أُثِيبُ	أُجْزِي

شرح واژگان

کلمه	معنا	شرح
سَدَّدَ	به سمت صحیح جهت داد، به راه درست هدایت کرد	ماده «س د د» به معنای ترمیم و پرکردن شکاف یا سوراخی در یک شیء و درست کردن آن است. سَدَّدَ فَعَلَ ماضی از باب تفعیل به معنای جهت دادن به سمت صحیح و هدایت کردن به راه درست است. این معنا از واژه سَدَاد گرفته شده که به معنای استواری و درستی است. گویا چیزی که استوار و درست است هیچ شکاف و روزنه‌ای در آن وجود ندارد.
أَرْشَدَ	به راه درست هدایت کرد	ماده «ر ش د» به معنای راه یافتگی به نیکی و درستی است. أَرْشَدَ فَعَلَ ماضی از باب إفعال، به معنای راه نشان دادن و هدایت کردن است. رُشِدَ به معنای راه یافتگی و متضاد آن عَمًی به معنای گمراهی است. واژه‌های آشنای دیگر از این ریشه عبارت‌اند از: رَشِيد، مُرْشِد، ارشاد و رشادت.
الشَّانِ	نفرت و کینه	ماده «ش ن أ» به معنای نفرت داشتن از یک شیء و دوری کردن از آن است. الشَّانُ مصدر فعل شَتَّأَ شَتْنًا، به معنای نفرت داشتن و دوری کردن است. آشناترین واژه از این ریشه، شاید واژه‌ای باشد که بارها در سوره کوثر خوانده‌ایم؛ یعنی «شانی‌ء»، که اسم فاعل از همین فعل است: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (کوثر: ۳)؛ «بی شک آنکه از تو متنفر است [و به تو زخم زبان می‌زند]، هموست که مقطوع النسل است».



درس پنجم
نیایش ۲۰

انسان موجودی اجتماعی است که رشد و تکاملش در سایه حضور در اجتماع و ارتباط با سایر انسان‌ها رقم می‌خورد. اگر همواره میان انسان‌ها محبت، اعتماد، عدالت و درستکاری حاکم می‌بود، هیچ مشکلی پیش نمی‌آمد؛ همه به حقوق یکدیگر احترام می‌گذاشتند و به وظایف خود در قبال یکدیگر عمل می‌کردند. اما متأسفانه دنیای واقعی به شکل دیگری است! در موارد فراوانی، ارتباط انسان‌ها با یکدیگر دچار تنش و اختلال می‌شود و به دنبال آن نه تنها بهره‌ای را که انسان از زندگی در اجتماع انتظار دارد، به دست نمی‌آورد، بلکه حقوق و داشته‌هایش نیز از سوی دیگران در معرض خطر و تهدید قرار می‌گیرد.

سؤال اینجاست که یک انسان مؤمن و خداجو چگونه باید با این تنش‌ها و مشکلات مواجه شود؟ در این درس خواهید دید که در نگاه قدسی امام سجاد (ع)، برای مواجهه با تنش‌ها باید سه نکته زیر را مدنظر قرار داد:

اولاً: زمینه‌های تنش با دیگران را از میان بردارد.

ثانیاً: باید در خود، توان و قدرت مقابله با تنش‌ها و بدرفتاری‌های دیگران و همچنین دفاع از حقوق خود و دیگر افراد جامعه را تقویت کند.

ثالثاً: در مواردی که مصلحتی برخلاف آن وجود ندارد، از خطاهای دیگران چشم‌پوشی کند؛ بلکه بدی‌های دیگران را با خوبی پاسخ دهد.

با رعایت این سه نکته، جامعه به سمت صلح و دوستی پیش می‌رود و افراد آن به جای مشغول شدن به درگیری‌های بیهوده، در مسیر رشد و تعالی خود قدم می‌گذارند و البته در مواقع لزوم از حقوق خود و دیگران دفاع می‌کنند.

زمینه‌های تنش

عمده درخواست‌های حضرت زین‌العابدین (ع) در این فرازاها، رفع زمینه‌هایی است که می‌تواند برای انسان در ارتباط با دیگران مشکل و تنش ایجاد کند. گفتنی است گرچه بود یا نبود بسیاری از این زمینه‌ها از دست انسان خارج است و تنها اقدامی که برای رفع آنها می‌تواند انجام دهد، دعا و تضرع به درگاه الهی است؛ ولی در موارد بسیاری نیز، اقدامات خود انسان، زمینه این تنش‌ها را فراهم می‌کند. در این موارد، دعای تنها کافی نیست بلکه انسان باید تلاش کند رفتارهای تنش‌زای خود را اصلاح کند و در کنار آن، با دعا و تضرع چشم به درگاه الهی بدوزد؛ چراکه از پیامبر خدا (ص) روایت شده: «الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالزَّامِي بِلَا وَتَرٍ؛ دعاکننده‌ای که هیچ عمل و اقدامی انجام نمی‌دهد، مانند تیراندازی است که با کمان بدون زه می‌خواهد تیراندازی کند». (الجعفریات، ص ۲۲۴)



۱. نفرت و بیزاری کینه‌توزان

أُبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمُحِبَّةِ

یکی از خطرناک‌ترین زمینه‌های تهدیدآمیز برای انسان، این است که افراد کینه‌توز، نفرت و بیزاری از او را به دل گیرند و درصدد آسیب‌رساندن به او برآیند. این نفرت و بیزاری می‌تواند دلایل گوناگونی داشته باشد که برخی از آنها به دست خود انسان و برخی از دست او خارج‌اند. انسان باید در مواجهه با چنین افرادی، دقت کند تا زمینه کینه‌توزی آنان را فراهم نکند. البته باید بداند که زمام دل‌ها به دست خداوند عز و جل است و اوست که می‌تواند این نفرت‌ها و بیزاری‌ها را از میان بردارد. از این رو باید همچون امام سجاد علیه السلام دست به درگاه الهی بلند کند و از او بخواهد که دچار این مشکل نشود. گفتنی است امام سجاد علیه السلام به نبود کینه‌توزی و نفرت بسنده نمی‌کند، بلکه فراتر می‌رود و از خداوند عز و جل می‌خواهد که به جای نفرت، محبت و دوستی را در دل آنها قرار دهد تا بدین وسیله احتمال تنش و درگیری بسیار اندک شود و به جای آن، همکاری و دوستی حاکم گردد.

۲. حسادت ستمگران

أُبْدِلْنِي ... مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةِ

حسد، بیماری اخلاقی و روانی بسیار زشت و خطرناکی است که هم خود شخص حسود را در معرض خطر قرار می‌دهد و هم کسی را که نسبت به او حسد می‌ورزد. شخص حسود که تحمل بهره‌مندی دیگری را از نعمت‌های الهی ندارد، دائماً در دلش خواستار از میان رفتن آن نعمت‌هاست و چه بسا در عمل نیز دست به

آینه در آینه

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ *
... وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ

بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌دم * از شر آنچه آفریده *
... و از شر حسودی بدخواه آنگاه که حسادت ورزد.

فلق: ۱ و ۲ و ۵

کارهایی برای از میان بردن آنها بزند. خطر حسادت زمانی بیشتر می‌شود که شخص حسود، اهل ستم و تجاوز نیز باشد؛ زیرا در این صورت، امکان اقدام عملی او علیه انسان بیشتر می‌شود. از همین روست که امام سجاد علیه السلام از حسادت افراد ظالم و ستمکار به خداوند عز و جل پناه می‌برد و از او می‌خواهد که در دل‌های آنان تصرف کند و حسادت آنان را نسبت به ایشان به محبت تبدیل نماید. در جایی که محبت وجود دارد امکان تحقق حسد بسیار ناچیز می‌شود؛ چراکه انسان نمی‌تواند کسی را دوست داشته باشد و در عین حال بدخواه او نیز باشد؛ در روایتی حکیمانه از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

حَسَدُ الصَّدِيقِ مِنْ سُقْمِ الْمَوَدَّةِ؛ حسادت دوست، ناشی از خلل در محبت و دوستی است.

(نهج البلاغه، حکمت ۲۱۸)

۳. عدم اعتماد افراد درستکار نسبت به انسان

أَبْدِلْنِي ... مِنْ طَائِفَةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الْيَقِينَةِ

ارتباط با انسان‌های دیندار و درستکار، نعمت بسیار بزرگی است که هم در دنیا برای انسان سودمند است و هم سعادت آخرت را تأمین می‌کند. اما اگر این افراد اعتمادشان را نسبت به انسان از دست بدهند، این ارتباط کم‌کم رو به تیره‌گی می‌رود و چه بسا پس از مدتی قطع می‌گردد. انسان باید:

۱. در رفتارش زمینه این بی‌اعتمادی را فراهم نکند.

۲. از خداوند عز و جل بخواهد این بی‌اعتمادی و بدگمانی را به اعتماد تبدیل فرماید.

۴. دشمنی نزدیکان و اطرافیان

أَبْدِلْنِي ... مِنْ عَدَاوَةِ الْأَذْنَيْنِ الْوَلَايَةِ

دشمنی هر شخصی با انسان، خطرناک‌تر است؛ ولی دشمنی نزدیکان و اطرافیان بسیار خطرناک‌تر است؛ چراکه آنان از سویی، از نقاط ضعف انسان نسبت به دیگران آگاه‌ترند و از سوی دیگر، معمولاً به انسان دسترسی بیشتری دارند. بنابراین انسان باید:

۱. در حد امکان، با مدارا و محبت، زمینه دشمنی اطرافیان را از میان ببرد؛ چنانکه از پیامبر خدا ص روایت شده: «مُذَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَالزَّفَقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ؛ مدارای با مردم نیمی از ایمان است و نرم‌خویی با آنان نیمی از زندگی [شیرین] است». (الکافی، ۱۱۷/۲)

۲. از خداوند عز و جل بخواهد نزدیکان و اطرافیان، تبدیل به دشمنان نشوند.

۵. قطع رابطه و بدرفتاری خویشاوندان

أَبْدِلْنِي ... مِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبْرَةِ

خویشاوندان، نعمت‌هایی الهی هستند که انسان می‌تواند در مواقع نیاز به آنها تکیه کند و از پشتیبانی آنان بهره‌برد. در آموزه‌های دینی توصیه‌های اکیدی در مورد صله رحم و نیکی به خویشاوندان وارد شده است؛ براساس روایات، صله رحم باعث پاکی اعمال، فراوانی اموال، دفع بلاها، آسانی حساب و به تأخیر افتادن مرگ انسان می‌شود (الکافی، ۱۵۱/۲). اما گاه به دلایل گوناگون، خویشاوندان با انسان قطع رابطه می‌کنند و او را به حال خود رها می‌سازند و چه بسا مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند. در چنین شرایطی مؤمن چه عکس‌العملی باید نشان دهد؟ پاسخ این است که:

اولاً: نباید مقابله به مثل کند و با آنان قطع رابطه کند؛ بلکه باید تلاش کند ارتباط خود را با آنان حفظ کند و زمینه این قطع ارتباط را تا حد امکان رفع نماید؛ روایت شده شخصی نزد پیامبر ص آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! خاندان من جز ستم، قطع ارتباط و دشنام بر من روا نمی‌دارند؛ آیا می‌توانم آنان را رها کنم؟ فرمود: «اگر چنین کنی، خداوند، هم تو و هم آنان را رها خواهد

کرد! عرض کرد: پس چه کنم؟ فرمود: «با کسی که با تو قطع ارتباط کرده، ارتباط برقرار می‌کنی و به کسی که بخشش را از تو دریغ داشته، بخشش می‌کنی و از کسی که به تو ستم کرده، در می‌گذری؛ چرا که اگر چنین کردی، از جانب خداوند پشتیبانی بر علیه آنان خواهی داشت.» (الکافی، ۲/۱۵۰)

ثانیاً: باید همانند امام سجاد (ع) در دعا‌های خود از خداوند تعالی بخواهد که خویشاوندان به جای قطع ارتباط و بدرفتاری با او، به ارتباط و نیکوکاری روی آورند.

۶. رهاشدن و یاری‌نشدن از سوی خویشاوندان نزدیک

أَبْدِلْنِي ... مِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَةَ

در مواردی که انسان دچار بحران و مشکل می‌شود، معمولاً، بهترین یاوران او خویشاوندان و نزدیکان او هستند. خویشان و نزدیکان معمولاً همدیگر را به منزله اعضای یک پیکر واحد می‌دانند و در نفع و ضرر، و شکست و پیروزی شریک می‌دانند؛ به کارهای نیک همدیگر افتخار می‌کنند و از کارهای ناشایست یکدیگر خجالت می‌کشند. همین ارتباط نزدیک اقتضا دارد که در مواقع سختی پیش از دیگران به کمک یکدیگر روند و همدیگر را رها و بی‌یاور نگذارند. اما گاه مشاهده می‌شود که ارتباطات خویشاوندان چنان سست می‌شود که نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت می‌شوند و در گرداب سختی‌ها همدیگر را رها می‌کنند. امام سجاد (ع) در این فراز، از خداوند تعالی می‌خواهد موانعی که باعث می‌شود، خویشاوندانش در سختی‌ها به یاری ایشان نیایند برطرف کند و ایشان را از نعمت یآوری آنان بهره‌مند گرداند.

۷. دوستی چاپلوسان

وَ أَبْدِلْنِي ... مِنْ حُبِّ الْمُدَارِينَ تَصْحِيحَ الْمَقَّةِ

برخی از اطرافیان از انسان دل خوشی ندارند و یا حتی دشمنی او را در دل دارند ولی در ظاهر اظهار دوستی و محبت می‌کنند و در حقیقت، با انسان مدارا و او را تحمل می‌کنند. چنین دوستی و محبت ظاهری:

- اولاً: دوامی ندارد و هر لحظه ممکن است به دشمنی آشکاری مبدل شود؛

- ثانیاً: برای انسان تلخ و دردآور است؛ زیرا هر شخصی از اینکه احساس کند دیگران محبت خالصی با او ندارند و تنها از راه مدارا او را تحمل می‌کنند، در رنج و فشار روحی قرار می‌گیرد.

از این رو امام سجاد (ع) از خداوند تعالی می‌خواهد این دوستی و محبت بیمارگونه و خلل‌آمیز را تبدیل به دوستی و محبتی راستین گرداند.



۸. عدم پذیرش اهانت آمیز معاشران و همکاران

أَبْدَلْنِي ... مِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِينَ كَرَمَ الْعِشْرَةِ

گاه معاشران انسان با او به صورتی اهانت آمیز برخورد می کنند و به او و کارهای نیکش در حق آنان، به دیده تحقیر می نگرند و او را در جمع خود نمی پذیرند. این امر از سویی باعث فشارهای روحی برای انسان می شود و از سویی، روابط او را با دیگران در معرض تنش قرار می دهد. انسان باید اولاً تلاش نماید، همواره عزت خود را حفظ کند و از اقداماتی که باعث خواری او در دیده دیگران می شود، خودداری کند و ثانیاً با گشودن دست دعا، از این امر ناخوشایند به درگاه الهی پناه ببرد.

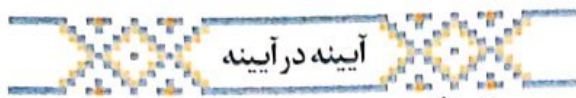
۹. شیرینی امنیت به جای تلخی بیم از ستمگران

أَبْدَلْنِي ... مِنْ مَرَاةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمْنَةِ

از رسول خدا ﷺ روایت شده:

يُغَمِّتَانِ مَخْمُولَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ؛ دو نعمت وجود دارد که ناشناخته اند: امنیت و عافیت.

(روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ۴۷۲/۲)



وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ...

وَلَيُعْبَدَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ...

خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده و کارهای

شایسته کرده اند وعده داده است

که آنان را خلیفه روی زمین قرار دهد ...

و آنان را پس از بیم و وحشت به امنیت رساند ...

نور: ۵۵

ستم دیدن تلخ است اما از آن تلخ تر، ترس از ستمکار است؛ یعنی احساس ناامنی و اینکه هر لحظه ممکن است ستمکار رگبار ستمش را بر روی ما بگشاید. امام سجاد علیه السلام از پروردگارش می خواهد این تلخی را به شیرینی امنیت مبدل فرماید.

تذکر: در معنای هریک از فرازهای پیشین احتمالات دیگری نیز مطرح است که سید علی خان مدنی رحمه الله در شرح خود به آنها پرداخته است.

۱۰. آمادگی برای رویارویی با تنش ها

معمولاً انسان هر قدر هم تلاش کند، نمی تواند به طور کامل از برخوردها و تنش ها جلوگیری کند و به شکل های گوناگون، حریم، آزادی و حقوق او در معرض تجاوز دیگران قرار می گیرد. بنابراین عقل حکم می کند که توان خود را برای دفاع از حریمش روز به روز افزایش دهد تا از سویی دیگران فکر تجاوز به حریم او را به خود راه ندهند و از سوی دیگر، در صورت تجاوز بتواند از خود و یا دیگران دفاع کند. امام سجاد علیه السلام در این فراز با برشمردن موارد زیر، از خداوند جل جلاله می خواهد که به ایشان امکانات لازم را در برابر تجاوز و ستم دیگران عطا نماید تا بتواند از خود و اطرافیانش دفاع کند:



سکادک
مکمل



تنش ها و
واکنش ها

آینه در آینه

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ

مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ

تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ

وَالْآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ

در برابر آنان، تا می‌توانید از هرگونه نیرو و اسبان
زین‌کرده آماده کنید که بدان وسیله دشمن خدا
و دشمن خودتان و کسان دیگری غیر آنان را که
نمی‌شناسید ولی خدا آنان را می‌شناسد خواهید ترساند.

الأنفال: ۶۰

۱. چیرگی و دست برتر در برابر ستمگران

اجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي

مؤمن باید آنقدر با عزت و قدرتمند باشد که به
ستمگران مجال ستمگری را نسبت به خود
ندهد؛ چرا که ستمگر، طبیعتاً ستمگری می‌کند و
برای پیشبرد اهدافش از هیچ ستمی نسبت به
انسان‌های ناتوان دریغ نمی‌ورزد. انسان باید از
خداوند جَلَّ جلاله بخواهد نقاط ضعف او را تبدیل به
نقاط قوت کند و به او در برابر ستمگران هیبت و
عظمت عنایت نماید، تا آنان فکر آسیب‌رساندن
به او را به خود راه ندهند.

۲. زبانی گویا در برابر مشاجره‌کنندگان

اجْعَلْ لِي ... لِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي

افراد ستمگر گاه از در گفتگو و مشاجرات لفظی
وارد می‌شوند و اعتقادات، افکار و اهداف صحیح
انسان را مورد هدف قرار می‌دهند و چه بسا از این
راه در صدد ربودن حقی مسلم از انسان برمی‌آیند.
اگر انسان در برابر آنان حجت و دلیلی قاطع و
محکم نداشته باشد، اولاً ممکن است خود او، در
موضع حقی که اتخاذ کرده، دچار سستی و تردید
شود و ثانیاً دیگر افراد جامعه از خصم انسان متأثر

وَأَخِي هَارُوتُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلَهُ

مَعِيَ رِذَاءً يَصْدَقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِي؛

و برادرم هارون از من زبان‌آورتر است، پس او را با
من فرست تا یاوری باشد که مرا تصدیق [و تأیید]
کند، که می‌ترسم مرا تکذیب کنند.

قصص: ۳۴

شده، علیه او و موضع برحقش به پا خیزند. از این رو امام سجاد علیه السلام از خداوند جَلَّ جلاله می‌خواهد که به
ایشان دلیلی محکم و قاطع در برابر مشاجران حق‌ستیز عطا نماید تا بتواند از حقیقت و حق خود در
برابر آنان دفاع کند.

۳. پیروزی در برابر مخالفان لجوج

اجْعَلْ لِي ... ظَفَرًا بِمَنْ عَانَدَنِي

افرادی هستند که از حقانیت انسان آگاه‌اند ولی با این حال به انکار و مخالفت با او می‌پردازند؛ به
چنین افرادی معاند گفته می‌شود که امام سجاد علیه السلام از آنها به خداوند جَلَّ جلاله پناه می‌برد و پیروزی در
برابر آنان را از او می‌خواهد.



سجاد
مکمل



درس پنجم
نیایش ۲۰

۴. ترفند و راه چاره در برابر مکاران و حيله گران

هَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِي

دشمنان، دشمنی می کنند و همواره در حال نیرنگ بازی و طرح ریزی علیه انسان هستند. اگر انسان در مقابل آن همه طرح و نقشه دقیق، برنامه و راه برون رفتی نداشته باشد، قطعاً شکست می خورد و توسط آنان لگدمال می شود. از این رو مؤمنان باید ضمن تلاش و اقدام برای برنامه ریزی، به خداوند جلّ و بالا پناه ببرند و از او بخواهند که راه های برون رفت از حيله های دشمنان را به آنان الهام کند.



وَمَكُرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكِرِينَ

و نیرنگ زدند و خدا هم نیرنگ زد و خدا بهترین
نیرنگ زندگان است

آل عمران: ۵۴

۵. قدرت در برابر کسانی که در صدد ستم نمودن و خوار کردن انسان هستند

هَبْ لِي... قُدْرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَدَنِي

دستمایه اصلی ستمگران برای ستمگری، قدرت و چیرگی ظاهری آنان است. از این رو انسان مؤمن که سرچشمه هر قدرت و توانی را آفریدگار هستی می داند، باید همواره از خداوند جلّ و بالا بخواهد که به او نیرو و توان کافی برای مقابله با آنان عنایت کند؛ چرا که گسترش ضعف و سستی در میان انسان های نیک سیرت، میوه ای جز نیرو گرفتن و غلبه انسان نماهای بدسیرت نخواهد داد.

۶. راه تکذیب و برون رفت از تهمت ها و افتراهای بی پایه

هَبْ لِي... تَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي

همواره در جامعه، انسان هایی بی بهره از اخلاق انسانی حضور دارند که برای پیش برد اهداف حیوانی خود دست به هرکاری می زنند و حتی از تهمت و نسبت های ناروا به دیگران نیز پرهیز نمی کنند. انسان باید اولاً بهانه به دست این شیطان صفتان ندهد و ثانیاً از خداوند جلّ و بالا بخواهد که راه تکذیب، انکار و از میان بردن این نسبت های ناروا را به او نشان دهد.

۷. جان سالم به در بردن از تهدیدهای دشمنان

هَبْ لِي... سَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي

حربه دیگر ستمگران برای پیش برد اهدافشان، تهدید و ارباب است. روشن است انسانی که به دین و اخلاق انسانی پایبند است نمی تواند همواره به تهدید ستمگران ترتیب اثر دهد و راهی را که آنان می خواهند پیش بگیرد؛ پس راه چاره اش این است که به خداوند جلّ و بالا پناه ببرد و خود را در برابر اقدامات احتمالی دشمنان آماده کند.

■ **عزت در برابر مستکبران، طاعت در برابر صالحان** ■

عزت نفس و قدرت مندی نباید انسان را به خودبینی و خودبرتربینی بکشانند به گونه ای که خودرأی شود و گوش شنوایش را نسبت به اندرزگویان خیرخواه از دست بدهد. به همین دلیل امام سجاد علیه السلام به پیروان خود می آموزد که بلافاصله پس از درخواست قدرت و عزت در مقابل ستمگران و مستکبران، از خداوند تعالی دو خواسته زیر را نیز طلب کنند:

۱. توفیق فرمان برداری از خیرخواهانی که در صدد اصلاح خطاها و انحرافات انسان هستند.

(وَفُتِّقْنِي إِطَاعَةَ مَنْ سَدَّدَنِي)

۲. توفیق پیروی از کسانی که راه و مسیر درست را به انسان نشان می دهند. (وَمُتَابَعَةَ مَنْ أَزْدَدَنِي)

■ مقابله به احسن به جای مقابله به مثل ■

هرچند کسب عزت و قدرت امری مطلوب و ضروری است ولی این هرگز به معنای استفاده همیشگی از آن بر علیه کسانی که به ما بدی می کنند نیست. یکی از زیباترین جلوه های اخلاقی انسان این است که پاسخ بدی های دیگران را با خوبی بدهیم. این امری است که در تعالیم اسلامی مورد تأکید فراوان است؛ روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان یکی از خطبه های خود چنین فرمود:

وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ

نیکی با بدی یکسان نیست؛ [بدی دیگران را] با بهترین روش دور ساز، که ناگاه آن کس که میان تو و او کینه ای است [چنان به تو گرایش یابد که] گویی دوستی گرم و صمیمی است.

فصلت: ۳۴

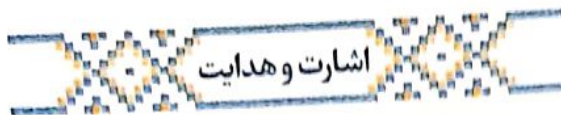
أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ خَلْقِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَتَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَالْإِحْسَانُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ وَإِعْظَاءُ مَنْ حَرَمَكَ؛

آیا شما را از برترین صفات اخلاقی در دنیا و آخرت آگاه نسازم؟! [آنها عبارت اند از] گذشت کردن از کسی که به تو ستم کرده است؛ ارتباط برقرار کردن با کسی که با تو قطع رابطه کرده است؛ نیکی کردن به کسی که به تو بدی کرده است و بخشش کردن به کسی که بخشش خود را از تو دریغ داشته است. (الکافی، ۱۰۷/۲)

همین یک روایت، کفایت می کند که دل ها و فطرت های پاک، تحت تأثیر قرار گیرند و تشنه کسب این خصلت والای اخلاقی گردند و با سیدالسااجدین علیه السلام در دعای مکارم الأخلاق همنا شوند و این چنین با پروردگار خود نجوا کنند؛ خداوند ابر محمد و خاندان او درود فرست و به من توفیق ده که:

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ سَدِّدْنِي لِـ ...)





به هنگام فتح مکه که نه تنها دشمنان بلکه دوستان انتظار انتقام جویی شدید مسلمان ها و به راه انداختن حمام خون در آن سرزمین کفر و کانون دشمنان سنگدل را داشتند و حتی بعضی از پرچمداران سپاه اسلام در آن روز رو به سوی ابوسفیان کرده و شعار «الیوم یوم الملحمة؛ امروز روز انتقام است» سر دادند، پیغمبر گرامی اسلام ﷺ با جمله «إذهبوا فأنتم الطلقاء؛ بروید همه آزادید» همه را مشمول عفو خود قرار داد و رو به سوی ابوسفیان کرد و شعار انتقام جویانه را به این شعار محبت آمیز تبدیل کرد و فرمود: «ألیوم یوم الرحمة؛ امروز روز رحمت است»، همین عمل چنان طوفانی در سرزمین دل های مکیان مشرک بر پا کرد که به گفته قرآن: ﴿يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾؛ فوج فوج مسلمان شدند و آیین اسلام را با جان و دل پذیرا گشتند.

تفسیر نمونه، ۲۸۲/۲۰

۱. کسی که در حق من ناراستی و دغل کاری کرده،

با خیرخواهی پاسخش را بدهم؛

(أَنْ أَعَارِضَ مَنْ عَشَنِي بِالنُّصْحِ)

۲. کسی را که مرا رها کرده، با نیکوکاری مجازات کنم؛

(أُجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ)

۳. پاداش کسی که بخشش خود را از من دریغ

داشته، با بخشش به او بدهم؛

(أُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ)

۴. مکافات کسی را که با من قطع رابطه کرده،

برقراری ارتباط دوستانه با او قرار دهم؛

(أُكَافِي مَنْ قَطَعَنِي بِالصِّلَةِ)

۵. برخلاف کسی که غیبت مرا کرده، عمل نمایم و

در نبودش از او به نیکی یاد کنم؛

(أُخَالِفُ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ)

و در یک کلام، به من توفیق ده ...

ا. نیکوکاری دیگران را نسبت به خود، سپاس گزارم. (أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ)

ب. از بدی های دیگران نسبت به خود، چشم پوشم. (أَغْضِي عَنِ السَّيِّئَةِ)

■ سخن پایانی ■

به راستی که سیدالساجدین علی علیه السلام چه جامعه زیبایی ترسیم می کند؛ جامعه ای که افراد آن در عین اینکه قدرت و عزت خود را برای دفاع از حریمشان افزایش می دهند، تا می توانند از درگیری و تنش با یکدیگر خودداری می کنند و در مواجهه با بدی های دیگران، عفو و گذشت و نیکی به آنان را سرلوحه کار خود قرار می دهند.



سکادیه
مکمه



تنش ها و
واکنش ها

رواق اندیشه

در این درس با اصل اساسی و خدشه ناپذیر صلح و آشتی در اسلام آشنا شدیم؛ اما برخی از آموزه های اسلام این انگاره را ایجاد می کنند که مؤمنان نسبت به غیرهم کیشان باید موضعی جنگ طلبانه و ستیزه جویانه اتخاذ کنند. آیا حقیقت چنین است؟ اگر خیر، پس آیاتی که مؤمنان را به جهاد و سختگیری بر علیه کافران دعوت می کنند، چیستند؟

اولاً؛ دلیلی وجود ندارد که آموزه های بلند این نیایش، تنها مربوط به ارتباط انسان با هم کیشان او باشد. بلکه چه بسا این فضایل والای اخلاقی ناظر به ارتباطات انسان مؤمن با همه انسان ها باشد، چه با هم کیشان و چه با غیرهم کیشانی که یا جامعه اسلامی آنان را پذیرا شده و در صلح و آشتی در کنار مسلمانان زندگی می کنند و یا میهمانانی در دامن امن جامعه اسلامی هستند. نوشته های روایی و تاریخی آکنده از ماجراهایی است که در آنها، اخلاق والای انسانی پیامبر خدا ﷺ و دیگر پیشوایان دین علیهم السلام، نامسلمانان را مسلمان کرده است؛ پس کدام انسان منصفی می تواند ادعا کند که فضیلت های اخلاقی والایی همچون گذشت، دفع بدی با نیکی و ... صرفاً ناظر به ارتباط مسلمانان با یکدیگر است.

ثانیاً؛ باید آیاتی که مسلمانان را به جنگ، جهاد و سخت گیری بر کفار دعوت نموده است، با دیدی عمیق تر و نگاهی منصفانه تر بررسی کرد و در کنار آن، آیات صلح جویانه قرآن کریم را نیز مشاهده نمود. نگاهی عمیق به آیات قرآن کریم شکی باقی نمی گذارد که اصل اولیه در اسلام همان صلح و دوستی است (نساء: ۹۰ و ۱۲۸؛ انفال: ۶۱؛ ممتحنه: ۸؛ آل عمران: ۶۴).

ثالثاً؛ اسلام فقط در موارد ضروری دعوت به جهاد می کند؛ جهادی که یا برای دفاع است و یا برای رهایی دیگر انسان ها از بند ستم و تاریکی گمراهی است.

حفظ دعا

وَسَدِّدْنِي لِأَنْ أَعَارِضَ مَنْ عَشَّنِي بِالتُّصْحِ وَأَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ
وَأُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ وَأَكْفِي مَنْ قَطَعَنِي بِالصِّلَةِ

• دعای ۲۰: بند ۹ •



درس پنجم
نیایش ۲۰

(۱۳) اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّيِّ وَالتَّطَلُّقِ وَالْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ وَتَذْهِيرًا عَلَى عَدْوِكَ وَمَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُبْرٍ أَوْ شَتْمٍ عَرِضٍ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ وَإِعْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ وَشُكْرًا لِنِعْمَتِكَ وَاعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ وَإِحْصَاءًا لِمَنِّكَ.

(۱۴) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي وَلَا أَضِلَّنَّ وَقَدْ أَمَكَّنْتَنِي هِدَايَتِي وَلَا أَفْتَقِرَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وَسْعِي وَلَا أَطْعَيْنَ وَمِنْ عِنْدِكَ وَجْدِي.

(۱۳) معبودا! آرزو، بدگمانی و حسدی را که شیطان در دلم می افکند، به ذکر عظمت و اندیشه در قدرت و چاره اندیشی در برابر دشمنی مبدل گردان و سخن زشت یا هرزه یا دشنام خانوادگی یا شهادت ناروا یا غیبت از مؤمن غایبی یا ناسزا به شخص حاضری و همانند اینها را که [شیطان] بر زبانم جاری می کند، به گفتاری در ستایش و مبالغه ای در ثنایت و کوششی در بزرگداشت و سپاسی از نعمت و اقراری به احسان و شمارشی برای نعمتهایت، بدل فرما!

(۱۴) معبودا! بر محمد و خاندان او، درود فرست و چنان کن که مورد ستم قرار نگیرم که تو می توانی ستم را از من، باز رانی، و خود [به کسی] ستم روا ندارم که تو می توانی مرا از ستم باز داری و گمراه نگردم که راهنمایی من، از تو ساخته است و به تهیدستی نیافتم که فراخی روزی من، از سوی توست و [از روی بی نیازی و رفاه] سرکشی نورزم که دارایی و استغنایم از توست.



سکادیه
مکمل



تنش ها و
واکنش ها

پرسش و تمرین

۱. با توجه به متن و ترجمه دعا، واژگان زیر را ترجمه کنید.

غَشَّ	أُثِيبَ	خِذْلَان	أَرْشَدَ
أَكْفِي	عُقُوق	خَلَاوَة	أَبْدِلَ
خیرخواهی	مشاجره کرد	تلخی	غیبت کرد
نفرت و کینه توزی	چشم پیوشم	پیروی	فرمانبرداری

۲. ترجمه ترکیب‌های زیر را بنویسید.

حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ	
ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ	
بدرفتاری خویشاوندان	
تلخی بیم ستمگران	

۳. ترجمه کنید.

هَبْ	لِ	ي	مَكْرَأَ	عَلَى	مَنْ	كَأَيِّدَ	(ن) ي
ترجمه تحت اللفظی							
ترجمه روان							



۴. در روایتی که در مورد امام سجاده علیه السلام در مواجهه با تنش ها و درگیری های اجتماعی فرموده، بیان نمایید.

۵. طبق فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله رها کردن خویشاوندانی که انسان را رها کرده اند، چه عواقبی دارد؟ این فرمایش با کدام فراز دعا ارتباط دارد؟

۶. خواسته های امام سجاده علیه السلام را در راستای رفع زمینه های تنش با دیگران، بیان کنید.

۷. به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله بهترین صفات اخلاقی در دنیا و آخرت چیست؟

مطالعه و پژوهش

۱. یکی از مباحث مهم در آموزه های اسلامی، تنظیم روابط افراد جامعه با یکدیگر است که در این درس با بُعدی از ابعاد گسترده آن آشنا شدیم؛ روابط اجتماعی در اسلام بر چه پایه هایی استوار است و مؤلفه های جامعه آرمانی اسلامی چیست؟

■ منبع مطالعه و پژوهش:

روابط اجتماعی در اسلام، محمدحسین طباطبائی، مؤسسه بوستان کتاب.

بررسی های اسلامی ج ۲، ص ۲۲۵، همان.

تعالیم اسلام، ص ۳۰۱، همان.

۲. پس از مطالعه دقیق نیایش ۲۶ صحیفه سجادیه، فرازهایی از آن را که با فرازهای این درس ارتباط دارند، استخراج نموده و بیان نمایید چگونه خواسته های امام سجاده علیه السلام در آن نیایش، می تواند زمینه صلح و آشتی را فراهم کند.

جلوه‌های تو، خواسته‌های ما

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِنَفْسِهِ وَلِأَهْلِ وَلَايَتِهِ

و از نیایش‌های آن حضرت ﷺ است برای خود و یاوران و دوستدارانش

۱) ای آن‌که شگفتی‌های عظمتش پایان نپذیرد،

بر محمد و خاندان او درود فرست

و ما را از انحراف و کژفهمی درباره عظمت بازدار.

۲) و ای آن‌که دوران فرمانروایی‌اش به آخر نرسد،

بر محمد و خاندان او درود فرست

و ما را از کیفر خویش، رهایی بخش.

۳) و ای آن‌که گنجینه‌های رحمتش نابود نگردد،

بر محمد و خاندان او درود فرست

و برای ما از رحمت بهره‌ای قرار ده.

۴) و ای آن‌که دیدگان از دیدنت فرو می‌مانند،

بر محمد و خاندان او درود فرست

و ما را به مقام قربت نزدیک کن.

۵) و ای آن‌که منزلت‌ها نزد منزلت‌ش کوچک باشد،

بر محمد و خاندان او درود فرست

و ما را در پیشگاهت گرمی دار.

۶) و ای آن‌که خبرهای پنهان نزد او آشکار است،

۱) يَا مَنْ لَا تَنْقُضِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَاحْجُبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ

۲) وَيَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةُ مُلْكِهِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَاعْتِقْ رِقَابَنَا مِنْ نَقِمَتِكَ

۳) وَيَا مَنْ لَا تَفْنَى خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَاجْعَلْ لَنَا نَصِيباً فِي رَحْمَتِكَ.

۴) وَيَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُؤْيَتِهِ الْأَبْصَارُ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَأَذِنَا إِلَى قُرْبِكَ

۵) وَيَا مَنْ تَصْغُرُ عِنْدَ خَطَرِهِ الْأَخْطَارُ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَكَرَّمْنَا عَلَيْكَ.

۶) وَيَا مَنْ تَظْهَرُ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ الْأَخْبَارِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَلَا تَقْضِ حُنَا لَدَيْكَ.

اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنْ هَبَّةِ الْوَهَّابِينَ بِهَبَّتِكَ

بر محمد و خاندان او درود فرست

و ما را نزد خود رسوا مگردان.

معبودا! ما را با بخشش خود از بخشش بخشنندگان

بی نیاز گردان

و ما را با پیوند به خودت، از هراس و تنهایی گسستن

دیگران کفایت فرما

تا با وجود عطای تو، بازاری، از دیگری چیزی نخواهیم

و با وجود فضل تو از نبود احدی نهراسیم و احساس

تنهایی نکنیم.

وَ اكْفِنَا وَحْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصِلَتِكَ

حَتَّى لَا تَرْغَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَذْلِكَ

وَلَا نَسْتَوْحِشَ مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ.

نمایی از دعا

در نیایش های معصومان علیهم السلام، نمایی زیبا از پیوند نام های پروردگار با خواسته های بندگان
به تصویر کشیده شده است ...

چرا آنان در نیایش های خود، نام های گوناگون خداوند جَلَّ جلاله را به میان می آورند؟
چگونه نام های خداوند جَلَّ جلاله با خواسته های ما پیوند می خورند؟

واژگان مهم

• با توجه به متن درس و ترجمه آن، معنای واژگان زیر را بنویسید.

تَنْقِضِي	عَجَائِب	الْإِلْحَاد	مُلْك	أَعْتَقُ
رِقَاب	خَزَائِن	نَصِيْباً	أَذْنِ	خَطَر
تَظْهَرُ	لَا تَقْضِ	أَغْنِ	اَكْفِ	بَذْل

شرح واژگان

شرح

کلمه	معنا	شرح
الإلحاد	کژروی، انحراف	ماده «ل ح د» به معنای متمایل شدن به کناره‌ها و انحراف از جاده مستقیم است. لَحْد قبر را از این رو لحد می‌گویند که در کنار قبر قرار دارد. الإلحاد مصدر باب افعال، به معنای انحراف از حق است. کلمه مُلحد به معنای منحرف از حق، در زبان فارسی نیز کاربرد دارد.
أَعْتَقَ	آزاد کن، برهان	ماده «ع ت ق» در بردارنده معنای قدمت و گران قدری است. أَعْتَقَ فعل امر از باب افعال، به معنای آزاد کردن برده است. گویا با آزاد کردن برده، او را از خواری و ذلت به گران قدری می‌رساند. در قرآن کریم، خانه خدا ﷻ با عنوان «الْبَيْتُ الْعَتِيقُ» خوانده شده؛ برخی گفته‌اند به خاطر قدمت آن است؛ برخی گفته‌اند به خاطر این است که همواره آزاد بوده و در ملک هیچ کس نبوده است؛ برخی گفته‌اند به خاطر این است که خداوند ﷻ آن را از طوفان رهانیده است.
أَدْنِ	نزدیک گردان	ماده «د ن و» به معنای قرب و نزدیکی است. أَدْنِ، فعل امر از باب افعال، به معنای نزدیک کردن است.
احْجُبْ	مانع شو، باز دار	ماده «ح ج ب» به معنای مانع شدن است و معمولاً به حرف اضافه «عن» به کار می‌رود. اخْجُبْ فعل امر است. حجاب از همین ریشه گرفته شده است.



سکادله
مکمل



درس ششم
نیایش ۵

جلوه‌های او، خواسته‌های ما

پیشوایان معصوم علیهم‌السلام با نیایش‌های خود، به ما آموخته‌اند که هرگاه خواسته‌ای داریم باید با نامی متناسب با آن خواسته به درگاه الهی برویم. اگر رزق و روزی می‌خواهیم با نام «رزاق» قدم به میان بگذاریم؛ اگر بخشش گناهان را می‌خواهیم با نام «غفار» زاری کنیم و اگر به دنبال پاکی و طهارت هستیم با ذکر «یا طاهر و یا مظهر» به درگاه او برویم. البته برای خداوند جل جلاله تفاوتی نمی‌کند و او در هر حال و با هر نام، صدایمان را می‌شنود و چشمه‌های فضل و رحمتش را به جوشش در می‌آورد؛ این ما هستیم که وقتی به نامی خاص متوسل می‌شویم، آمادگی و استعداد بیشتری برای پذیرش فضل و رحمت الهی متناسب با آن نام، پیدا می‌کنیم.

هر چه هست از قامت ناسازبی اندام ماست ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست در این میان نکته‌ای ظریف وجود دارد؛ همواره این‌گونه نیست که ما ابتدا نیازی احساس کنیم و سپس با نامی از نام‌های پروردگار به درگاه او برویم بلکه گاه امر برعکس می‌شود! یعنی گاهی ابتدا با نامی از نام‌های خداوند جل جلاله مواجه می‌شویم و بدین ترتیب به خواسته و نیازی مرتبط با آن نام توجه پیدا می‌کنیم و آن خواسته را از پروردگار می‌خواهیم. گویا فرازهای نخستین این نیایش زیبا نیز چنین حالتی را ترسیم می‌کنند؛ یعنی حال انسانی را به نمایش می‌گذارند که ابتدا با جلوه عظمت الهی مواجه می‌شود و بلافاصله خواسته‌ای متناسب با آن درخواست می‌کند؛ سپس به بی‌انتهایی فرمان‌روایی او توجه پیدا می‌کند و بی‌درنگ درخواستی همسو با آن مطرح می‌کند و به این ترتیب هر دم با جلوه‌ای مواجه می‌شود و آن جلوه، نیازی جدید را به میان می‌آورد. شاید یکی از حکمت‌هایی که در دعا‌های رسیده از معصومین علیهم‌السلام نام‌های فراوانی از خداوند جل جلاله مطرح می‌شود، همین باشد که این نام‌های نیکو سبب می‌شود ما نیازهای فراموش شده خود را به یاد آوریم و با تمام وجود آنها را درخواست کنیم.

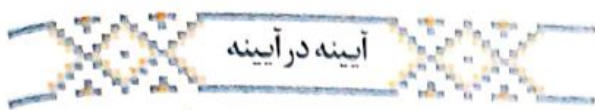
سبکی زیبا از نیایش

در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام دعا آدابی ویژه دارد که با رعایت آنها انسان آمادگی بیشتری برای پذیرش رحمت بی‌دریغ الهی پیدا می‌کند و دعایش به استجاب نزدیک‌تر می‌شود. یکی از مهم‌ترین آنها این است که دعا با ستایش خداوند جل جلاله و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش علیهم‌السلام آغاز شود؛ از امام صادق علیه‌السلام روایت شده: «هنگامی که می‌خواهید از خداوند حاجتی از حاجت‌های دنیا یا آخرت را درخواست کنید، مبادا [بی‌مقدمه] به آن مبادرت ورزید بلکه در ابتدا با ثنا و ستایش خداوند عزوجل و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز کنید؛ سپس حوائجتان را بخواهید» (الکافی، ۲/۴۸۴).

این ترتیب را می‌توان به وضوح در بسیاری از ادعیه رسیده از معصومین علیهم‌السلام به شکل‌های عبارت‌های گوناگون مشاهده کرد. در شیوه و سبکی که امام سجاد علیه‌السلام در فرارزهای نخستین این نیایش برگزیده نیز دقیقاً این ترتیب به زیبایی رعایت شده است؛ در هر فرارز ابتدا خداوند جل و علا با نامی از نام‌های نیکوی خود خوانده و بدین ترتیب ستایش می‌شود و سپس صلوات به میان می‌آید و در پایان حاجتی متناسب با نامی که در ابتدا آمده مطرح می‌گردد.

• ای که شگفتی‌های عظمت تمام‌شدنی نیست ... •

يَا مَنْ لَا تَنْقُضِي عَجَائِبَ عَظَمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْتَنِبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ.



وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذُرُّوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و خدا را نیکوترین نام‌هاست، پس او را به آنها بخوانید، و رها کنید کسانی را که در نام‌های او راه کژ می‌پویند، آنان به زودی آنچه می‌کردند کیفر بینند.

اعراف: ۱۸۰

اولین جلوه‌ای که دیدگان امام سجاد علیه‌السلام را روشن می‌کند، عظمت شگفت‌انگیز آفریدگار هستی است؛ خداوندی که بی‌انتهاست و همه زیبایی‌ها و کمالات را داراست. خداوندی که شگفتی‌های عظمت و بزرگی او پایانی ندارد. یعنی هردم که انسان با چشم عقل و دل یا چشم ظاهر به نظاره می‌نشیند، با امری جدید و شگفت‌انگیز از قدرت نامتناهی

و حکمت بی‌اندازه او مواجه می‌شود؛ روایت شده امیرالمؤمنین علیه‌السلام در آغاز یکی از خطبه‌های خود، خداوند جل و علا را این‌گونه ستایش فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَلَا تَنْقُضِي عَجَائِبُهُ لِأَنَّهُ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ مِنْ إِحْدَاثٍ بَدِيعٍ لَمْ يَكُنْ سِياس و ستایش خدای راست که نمیرد و شگفتی‌های آفرینش او نهایت نپذیرد؛ چرا که هردم در کاری است و آفرینشی تازه که نبوده، پدید می‌آورد. (الکافی، ۱/۱۴۱)

وقتی انسان به این عظمت بی‌انتهای الهی توجه می‌کند، با خود می‌گوید: «چه زشت و ناشایست است که درکی صحیح از این عظمت الهی نداشته باشم و در مورد آن به انحراف و کج‌فهمی دچار شوم». از این رو با امام سجاد علیه‌السلام هم‌نوا می‌شود و از خداوند جل و علا می‌خواهد مانع انحراف و کج‌فهمی او گردد.

البته انسان نمی‌تواند به عمق و کنه عظمت آفریدگار دست پیدا کند؛ چنانکه امام صادق علیه‌السلام فرموده است: «خداوند عظیم و بلندمرتبه است و بندگان نمی‌توانند او را توصیف کنند و به کنه عظمت او نخواهند رسید...» (الکافی، ۱/۱۰۳)؛ ولی می‌تواند دورنمایی صحیح و عقلانی از عظمت



سجده
مکرمه

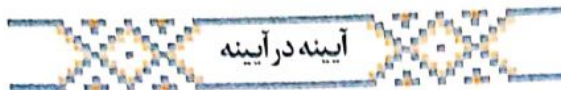


درس ششم
نیایش ۵

و زیبایی او در اختیار داشته باشد؛ این مطلب را می‌توان از این کلام نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام در مقام مناجات برداشت کرد: «ما نمی‌توانیم به کنه عظمت تو پی ببریم ولی این را می‌دانیم که تو زنده و پاینده‌ای، نه چرنت می‌برد و نه خوابت می‌گیرد؛ نه اندیشه‌ای به تو رسیده و نه دیده‌ای تو را دریافته...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰)

ای که دوران فرمان‌روایی‌ات پایان پذیر نیست ...

وَيَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةُ مُلْكِهِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْتَقَ رِقَابَنَا مِنْ نَقِمَتِكَ.



تَبَرَّكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

پاک و پربرکت است آن که فرمان‌روایی [بر جهان هستی] به دست اوست و او بر همه چیز تواناست.

ملک: ۱

هر فرمان‌روایی هراندازه هم که حکومتش مقتدرانه و طولانی باشد، در نهایت با فرارسیدن مرگش بساط فرمان‌روایی‌اش برچیده خواهد شد و به دیگران خواهد رسید. اما فرمان‌روایی خداوند جل جلاله از این قاعده مستثناست؛ چراکه:

■ اولاً: او حقیقتی فناپذیر است؛

■ ثانیاً: تسلط و سیطره او بر بندگانش تسلطی حقیقی و غیر قابل زوال است.

تسلط و سیطره خداوند جل جلاله، قراردادی و ساختگی نیست؛ چراکه همه موجودات در اصل هستی خود نیازمند و وابسته به او هستند و هرگز امکان ندارد که از دایره قدرت و حکومت او خارج شوند که خارج شدن آنان از این دایره، به معنای نابودی و نیستی آنان است. اگر انسان توجه کند که چنین فرمان‌روای مقتدري به او دستوراتی داده و واجبات و محرماتی برایش تعیین کرده و در مقابل نافرمانی‌اش به او وعده کیفر و عذاب داده است، اولاً تلاش می‌کند که مبادا مرتکب معصیت و نافرمانی او شود و ثانیاً اگر معصیتی از او سرزد، با تمام وجود پشیمان می‌شود و با توبه‌ای خالصانه از او تقاضای عفو و گذشت می‌کند؛ چراکه می‌داند اگر خشم این فرمان‌روای مقتدر دامن‌گیر او شود، هیچ راه فراری برای او وجود نخواهد داشت. اگر انسان مورد خشم و غضب یک فرمان‌روای عادی قرار می‌گرفت، امید داشت که بتواند از دست او بگریزد و یا مخفی شود تا مدت حکومت او به پایان رسد ولی در مورد فرمان‌روایی که امکان خروج از دایره قدرت او را ندارد، هرگز چنین امیدی نخواهد داشت. به همین دلیل است که امام سجاد علیه السلام پس از یادآوری بی‌پایان بودن مدت فرمان‌روایی پروردگار، بی‌درنگ از او می‌خواهد که ما را از کیفر خود برهاند.



جلوه‌های تو،
خواسته‌های ما

ای که گنجینه‌های رحمت تمام شدنی نیست ...

وَاِمَنْ لَا تُقْنِي خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ لَنَا نَصِيئاً فِي رَحْمَتِكَ.

برای فهمی عمیق از این فراز زیبا باید چند نکته را مد نظر قرار دهیم:

۱. رحمت خداوند و معنای آن

ما انسان‌ها هنگامی که با شخصی درمانده یا نیازمند مواجه می‌شویم، دلمان به حال او می‌سوزد، متأثر می‌شویم و نسبت به او احساس غم و اندوه می‌کنیم و همین تأثر و اندوه درونی، ما را برای برطرف کردن نیاز او، به حرکت در می‌آورد؛ در زبان عربی به چنین حالتی رَحْمَةٌ گفته می‌شود. این صفت به خداوند جَلَّالٌ نیز نسبت داده می‌شود ولی نه دقیقاً به معنایی که در مورد انسان‌ها به کار می‌رود. رحمت خداوند جَلَّالٌ به مخلوقاتش بسی والاتر از رحمت انسان‌ها نسبت به یکدیگر است؛ زیرا انسان‌ها غالباً به خاطر رهایی از فشار تأثرات و غم و اندوه درونی خود، دست به رفع حاجت دیگران می‌زنند و با کمک به دیگران حسی خوشایند و لذتی دلنشین نصیب آنان می‌گردد، درحالی که خداوند جَلَّالٌ هیچ هدفی جز رفع حاجت بندگان نیازمندش ندارد. اساساً تأثر و اندوه و همچنین لذت جویی، ناشی از نقص و محدودیت است و هیچ نقص و محدودیتی در خداوند راه ندارد. بنابراین رحمت در مورد خداوند جَلَّالٌ به معنای «جود و بخشش برای برطرف کردن نیاز دیگران» (المیزان، ۱۸/۱) است.

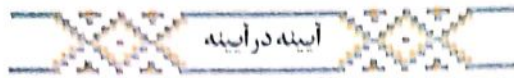
۲. پایان ناپذیری گنجینه‌های رحمت الهی و کلیدهای آن

از آنجایی که گنجینه‌های رحمت خداوند جَلَّالٌ از هستی بی‌انتهای او سرچشمه می‌گیرد، هرگز رحمت او تمام‌شدنی نیست و با بخشش و رفع نیاز بندگانش ذره‌ای از آن کاسته نمی‌شود. از این رو در ساحت مقدس او هیچ بخلی راه ندارد؛ کافی است مخلوقات او، استعداد و زمینه پذیرش این رحمت بی‌انتهای او را در خود فراهم کنند تا چشمه مهربانی او به جوشش درآید و آنان را سیراب کند. یکی از مهم‌ترین اموری که زمینه پذیرش رحمت الهی را در انسان فراهم می‌کند، دعا و نیایش است که در نامه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به فرزند گرامی‌اش امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام از آن با عنوان کلیدهای گنجینه‌های رحمت الهی یاد شده است:

و بدان آن کس که گنجینه‌های آسمان و زمین در دست اوست به تو اجازه دعا داده و خود ضامن اجابت آن گردیده و تو را فرمان داده که از او درخواست کنی تا به تو ببخشد و از او مهرورزی جویی تا بر تو رحمت آورد ... سپس کلیدهای گنجینه‌های خود را در دستانت قرار داد؛ چرا که به تو اجازه داد که از او درخواست کنی. پس هرگاه که خواهی به وسیله دعا درهای نعمتش را می‌گشایی و باران‌های رحمتش را فرو می‌بارانی ... (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

۳. دو گونه از رحمت خداوند و خواسته امام سجاد علیه السلام

با مراجعه به آیات و روایات در می یابیم که دو گونه رحمت برای خداوند تعالی تصویر شده است:



وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَفَسَاكَتُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ
وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ

و رحمت من همه چیز را فرا گرفته است، پس آن را
برای کسانی مقرر خواهم داشت که پروا پیشه می کنند
و زکات می دهند و آنان که به آیات ما ایمان می آورند.

اعراف: ۱۵۶

۱. رحمت عام: این رحمت همه موجودات
عالم را در بر می گیرد و سرتاسر آسمان ها و
زمین را پر می کند و مؤمن و کافر، و درستکار
و بدکار از آن بهره می برند. در لسان آیات
و روایات هنگامی که به این گونه از رحمت
اشاره می شود، خداوند تعالی با نام الرَّحْمَن
خوانده می شود. خداوند تعالی به واسطه رحمت
رحمانیه اش دمه دم به همه موجودات،

هستی می دهد و نیازهای آنان را برطرف می کند. در قرآن می خوانیم: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ
اسْتَوَى» (طه: ۵)؛ «آن خدای رحمان بر عرش [فرمان دهی و تدبیر عالم] قرار دارد». مقصود از
عرش الهی، مقام تدبیر و اداره کل جهان هستی است. (المیزان، ج ۸، ص ۱۵۰)

۲. رحمت خاص: این رحمت، ویژه مؤمنان و بندگان صالح است؛ یعنی کسانی که با ایمان و
اعمال صالح خود، زمینه و استعداد ویژه ای برای پذیرش این رحمت پیدا کرده اند. خداوند تعالی،
به این اعتبار با نام الرَّحِيم مورد اشاره قرار می گیرد؛ در قرآن کریم می خوانیم: «وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ
رَحِيمًا» (احزاب: ۴۳)؛ «و او نسبت به مؤمنان رحیم [و مهربان] است».

با این مقدمه روشن می شود که مقصود امام سجاد علیه السلام از عبارت «اجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ»
برای ما بهره ای از رحمتت قرار ده، رحمت رحیمیه خداوند تعالی است؛ چراکه رحمت رحمانیه او
شامل همه موجودات هست و درخواست بهره ای از آن، درخواست امری است که خود به خود
حاصل است و با ظاهر عبارت حضرت ناسازگار است.

وقتی که از پروردگار رحمت ویژه او را می خواهیم باید گامی برداریم و در حدّ توان زمینه دریافت
آن را در وجود خود فراهم کنیم (هرچند برای همین گام نیز باید از خداوند تعالی طلب یاری
کنیم). شرط فراهم آمدن استعداد و آمادگی برای دریافت رحمت رحیمیه، ایمان، تقوا و عمل
صالح و در یک کلام پیروی از پیامبر خدا ﷺ است؛ چنانکه در قرآن می خوانیم: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ
تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران: ۳۱)؛ «بگو: اگر
خدا را دوست می دارید مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامزد و
خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است».

ای که دیدگان یارای دیدن تو را ندارند ... ■

وَاِذَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُؤْيِيهِ الْاَبْصَارُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ اَذْنٰنَا اِلٰى قُرْبِكَ.

همه ما با عشق به کمال و زیبایی سرشته شده ایم و از این رو هنگامی که با راهنمایی عقل و نقل به این نکته پی می بریم که خداوند جَلَّ جَلالُه اصل همه زیبایی ها و کمالات است بلکه عین زیبایی و کمال است و همه زیبایی های پهنه هستی، گوشه ای از زیبایی های بی انتهای او را به نمایش می گذارند، با تمام وجود آرزوی تماشای او را می کنیم؛ ولی افسوس که این چشمان ناتوان، یارای دیدن آن یکتای بی همتا را ندارند و نمی توانند آن عظمت بی انتها را در خود جای دهند. این چشم ها تنها امور محدود و جسمانی را می بینند حال آنکه خداوند جَلَّ جَلالُه بسیار والاتر از جسم و جسمانیات است و در او هیچ نقص و محدودیتی راه ندارد. ولی با همه اینها نباید ناامید شویم؛ چراکه گرچه نمی توانیم با چشم سر او را ببینیم ولی می توانیم با چشم دل به تماشای او بنشینیم؛ روایت شده که شخصی نزد امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام آمد و عرض کرد: ای امیر مؤمنان، آیا هنگامی که پروردگارت را عبادت می کنی، او را دیده ای؟ ایشان فرمود: «وای بر تو، هرگز پروردگاری را که ندیده ام عبادت نکرده ام!»؛ آن شخص پرسید: چگونه او را دیده ای؟! فرمود:

وَيْلَكَ لَا تُدْرِكُهُ الْاُيُوءُ فِي مُشَاهَدَةِ الْاَبْصَارِ وَلَكِنْ رَأَتْهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْاِيْمَانِ؛

وای بر تو، چشم ها هرگز چنانکه دیگر اشیاء را مشاهده می کنند، او را درک نخواهند کرد

بلکه دل ها به واسطه ایمان های راستین او را دیده اند. (الکافی، ۹۸/۱)

پس دستیابی به آن همه زیبایی تنها از راه دل و با مرکب ایمان راستین امکان پذیر است؛ باید سوار بر مرکب ایمان، مراتب قرب خداوند جَلَّ جَلالُه را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت و تا می توان به او نزدیک شد. هراندازه که مؤمن به خداوند جَلَّ جَلالُه نزدیک تر می گردد، جلوه های زیبایی او را بیشتر می بیند و مشتاق تر می شود و باز هم پیش می رود تا اینکه در نهایت، هستی خود را در هستی بی انتهای او فانی می کند و چیزی جز زیبایی های بی کران او نمی بیند. در روایتی زیبا بهترین راه نزدیک شدن به خداوند جَلَّ جَلالُه انجام واجبات و در مرحله بعد انجام نوافل و مستحبات معرفی شده است تا جایی که مؤمن به واسطه انجام نوافل چنان به خداوند جَلَّ جَلالُه نزدیک می شود و در او فانی می گردد که خداوند جَلَّ جَلالُه چشم، گوش، زبان و دست او می گردد.

(الکافی، ۳۵۲/۲)

با این توضیحات روشن شد که چرا امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام پس از اینکه خداوند جَلَّ جَلالُه را باندای «يَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُؤْيِيهِ الْاَبْصَارُ» می خواند، بی درنگ از او می خواهد که «اَذْنٰنَا اِلٰى قُرْبِكَ؛ ما را به مقام قربت نزدیک گردان»؛ دلیلش این است که تنها راه مشاهده خداوند جَلَّ جَلالُه، تقرب و نزدیک شدن به اوست.



سکادیه
مکمل



درس ششم
نیایش ۵

ای که هر گران قدری در برابر گران قدری ات کوچک و ناچیز است ...
وَيَا مَنْ تَضَعُ عِنْدَ خَطَرِهِ الْأَخْطَارَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَرِّمْنَا عَلَيْكَ.

همه ما از اینکه مورد احترام شخصیت های مهم و بزرگ قرار گیریم، به خود می بالیم و احساس غرور می کنیم. اگر فرمان روایی مقتدر یا عالمی پارسا یا هر شخص دیگری که در جامعه مقام و منزلتی دارد، ما را گرامی بدارد و موجودی ارزشمند شمارد، از شادی در پوست خود نمی گنجیم و از سرخوشی بال در می آوریم.

هنگامی که انسان توجه کند که هر مقام و منزلتی که در نظر گرفته شود و هر بزرگی و ارجمندی ای که تصور شود، در برابر عظمت و گران قدری آفریدگار هستی ناچیز بلکه هیچ است، به خود می آید و هرآنچه غیر خداست نزد او بی اهمیت می گردد؛ چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف پرهیزکاران راستین می گوید:

عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ وَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ؛ آفریدگار نزد آنان گران قدر و بزرگ گردیده و هرآنچه که غیر اوست در چشمان آنان بی ارزش و کوچک شده است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

در چنین شرایطی تنها خواسته او، ارجمندی و گران قدری نزد چنین موجود ارجمند و گران قدری خواهد بود. اما به راستی آفریدگارمان چه کسانی را ارجمند و گرامی به حساب می آورد؟ پاسخ این سؤال به روشنی در قرآن کریم آمده است؛ آنجا که خداوند جل جلاله می فرماید: **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ** (حجرات: ۱۳). بنابراین در درون این خواسته امام سجاد علیه السلام که از پروردگار کرامت و ارجمندی نزد او را خواسته است، درخواست بالاترین مراتب تقوا و پرهیزکاری نهفته است؛ چراکه به فرموده خداوند جل جلاله گران قدرترین افراد نزد او پرهیزکارترین هستند.

ای که خبرهای پنهان نزد او آشکار است ...

وَيَا مَنْ تَظْهَرُ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ الْأَخْبَارِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَفْضَحْنَا لَدَيْكَ.

آئینه در آئینه

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمُ بِذَاتِ الصُّدُورِ * أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

و گفتارتان را پنهان دارید یا آشکار کنید، او از آنچه در سینه هاست آگاه است * آیا آگاه نباشد آنکه آفریده است با اینکه اوست که دقیق و آگاه است؟!

ملک: ۱۳-۱۴

امکان ندارد امری در عالم هستی تحقق پیدا کند و بر خداوند جل جلاله پوشیده بماند چراکه او آفریدگار هستی است و دم به دم به هر چیزی که لباس تحقق و وجود به تن می کند، هستی می بخشد؛ آیا ممکن است چیزی از مخلوقات چنین آفریدگاری بر او پوشیده باشد؟! هنگامی که انسان به این



جلوه های
خواسته

حقیقت انکارناپذیر توجه می‌کند و زشتی گناه و نافرمانی آفریدگار مهربانش را در نظر می‌گیرد به خود می‌لرزد و با خود می‌گوید: «من از آشکار شدن معایب و گناهانم در برابر هر موجود آگاه و باشعوری شرم می‌کنم و خجالت می‌کشم؛ حتی اگر کودکی خردسال مرا نظاره کند، از انجام بسیاری از کارهای ناشایست چشم می‌پوشم. اگر کار خلافی انجام دهم از رسوایی در برابر دیگران بیم دارم و تا بتوانم کرده‌های ناشایستم را از چشم دیگران پنهان می‌کنم. مرا چه شده است که از پروردگارم شرم نمی‌کنم؟! همو که از هر ناظری محترم‌تر و گران‌قدرتر است! مگر نه این است که او از همه اعمال من آگاه است و ارتکاب هر گناهی از سوی من، عین فضیحت و رسوایی در درگاه اوست؟!»

در مقامی که کنی قصد گناه	گر کند کودکی از دور نگاه
شرم داری ز گنه درگذری	پرده عصمت خود را ندری
شرم بادت که خداوند جهان	که بُود آگه اسرار نهان
به تو باشد نظرش گاه به گاه	تو کنی در نظرش قصد گناه؟!!

هفت اورنگ جامی

در این هنگام است که اشک در چشمانش حلقه می‌زند و این فراز از دعا بر زبانش جاری می‌شود که «ای آنکه اخبار پنهانی نزد او آشکار است، بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را نزد خود رسوا مگردان». در عبارت «ما را نزد خود رسوا مگردان»، دو احتمال وجود دارد:

۱. به ما توفیق بده که مرتکب گناهی نشویم، چراکه هر گناهی که انجام دهیم عین فضیحت و رسوایی در درگاه توست.

۲. در روز قیامت که همه نزد تو حاضر می‌شویم، بدی‌ها و زشتی‌های ما را که از آن آگاهی، بپوشان و ما را نزد بندگان رسوا مگردان

■ در پناه تو ... ■

اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنْ هَبَّةِ الْوَهَّابِينَ بِهَبَّتِكَ ...

انسان در دامن اجتماع و با بهره‌بردن از دیگر افراد جامعه رشد می‌کند ولی متأسفانه آنچه بر بسیاری از افراد جامعه غالب است، خودخواهی و ترجیح دادن منافع شخصی خود بر نیازهای دیگران است. دردمندان و نیازمندان بسیاری همواره در مقابل دیدگان افراد توانگر صبح را به شب می‌رسانند، ولی کسی به فریاد آنان نمی‌رسد و برای برطرف کردن نیاز آنان قدمی بر نمی‌دارد. واکنش خردمندانه هر انسانی، چه مؤمن و چه کافر، در برابر این حقیقت تلخ این خواهد بود که تا می‌تواند استقلال خود را از دیگران حفظ کند و هرگز چشم امید به الطاف



سکادیه
مکمل



درس ششم
نیایش ۵

و بخشش‌های دیگران ندوزد. ولی دغدغه یک مؤمن خردمند بسی بالاتر و بیشتر از دیگر خردمندان است؛ چراکه او علاوه بر اینها:

■ هراس دارد که مبادا به کافران و بی‌دینان نیازمند شود و بدین ترتیب:

■ اولاً؛ عزت مؤمنانه‌اش با خواری درخواست در برابر آنان خدشه‌دار شود؛

■ ثانیاً؛ به خاطر نیازش به آنان که دشمنان خدا و دین خدا هستند، نوعی گرایش و محبت قلبی پیدا کند؛

■ ثالثاً؛ آنان بر او تسلط پیدا کنند و در قبال برآوردن نیازهایش دین و ایمان او را به یغما برند و به راه‌هایی که برخلاف رضای خداست بکشانند.

■ او هراس دارد که مبادا شدت نیازش به دیگران او را به به تضرع و زاری در درگاه غیر خدا بکشانند و باعث شود چشم امید به این و آن بدوزد و فراموش کند که دیگران صرفاً واسطه‌های فیض خداوند جَلَّ جلاله هستند.

با بیان این مقدمه به این فراز دلنشین از نیایش امام سجاد علیه السلام بر می‌گردیم. این فراز را به دو شکل می‌توان معنا کرد:

معنای اول: معبودا! به من آن قدر روزی بده که نیازی به بخشش دیگران پیدا نکنم و مبتلا به التماس و زاری نزد غیر تو نشوم (اللَّهُمَّ أَغْنِنَا عَنْ هَبَةِ الْوَهَّابِينَ بِهَبَّتِكَ حَتَّى لَا نَرْغَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَذْلِكَ). معبودا! لطف و ویژه‌ات را از من دریغ مدار و هرگز مرا به حال خودم وا نگذار تا مبادا با وجود فضل و بخشش تو، از نبود کسی احساس تنهایی کنم (وَ اكْفِنَا وَخْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِبَصَلَتِكَ ... حَتَّى لَا نَسْتَوْجِشَ مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ).

معنای دوم: معبودا! مرا یاری کن این حقیقت را دریابم که برآورنده حقیقی نیازهای من تو هستی و دیگران از خود هیچ ندارند و تنها واسطه‌هایی برای رساندن نعمت‌هایت به من هستند؛ پس استغنا و بی‌نیازی از دیگران را در من تقویت کن و احساس نیازمندی به خودت را روزه‌روز در من بیشتر فرما تا مبادا هنگام نیاز، به درگاه غیر تو روی آورم و چشم امید به غیر تو بدوزم با اینکه می‌دانم تو از بذل و بخشش به نیازمندان دریغ نمی‌کنی و لطف و کرم‌ت را از آنان باز نمی‌داری (اللَّهُمَّ أَغْنِنَا عَنْ هَبَةِ الْوَهَّابِينَ بِهَبَّتِكَ حَتَّى لَا نَرْغَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَذْلِكَ). معبودا! به من این بینش را عطا کن که همواره در دامن امن تو هستم و از فضل و بخشش تو برخوردارم تا مبادا هنگامی که دیگران مرا تنها می‌گذارند، احساس تنهایی و ناامیدی به من دست دهد و از فضل بی‌کران تو غافل شوم (وَ اكْفِنَا وَخْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِبَصَلَتِكَ ... حَتَّى لَا نَسْتَوْجِشَ مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ).



رواق اندیشه

خداوند ﷻ در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ (ق: ۱۶) و در جای دیگر فراتر رفته، می‌فرماید: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ﴾ (انفال: ۲۴). آیا بالاتر از این، قرب و نزدیکی می‌توان تصور کرد؟! اگر خداوند ﷻ تا این اندازه به انسان نزدیک است، قاعدتاً ما نیز باید به همین اندازه به او نزدیک باشیم. پس این سخن امام سجاد (ع) چه جایگاهی می‌تواند داشته باشد: «أَذِنَا إِلَى قُرْبِكَ»؟ چرا بندگان صالح، همواره با سوز و گداز قرب به او را خواستار شده‌اند؟

پاسخ این پرسش را از حکیم متأله آیت الله جوادی آملی بخوانیم: «خدای سبحان همواره به ما نزدیک است... لیکن انسان گاهی به خدا نزدیک و گاهی از او دور است!» (تسنیم، ۳۷۴/۲) «قرب، اگر میان دو امر مادی باشد، دو طرفه خواهد بود؛ یعنی فاصله هر چیز مادی با موجود مادی دیگر مساوی فاصله آن چیز دوم با شیء اول است، اما اگر یکی از دو طرف، غیر مادی باشد، قرب می‌تواند یک طرفه باشد...»

قرب خداوند به بندگان خود، گاهی مشفقانه است: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ (بقره: ۱۸۶) و گاهی قاهرانه که قربی عام و همگانی است: ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ (ق: ۱۶)...

قرب قاهرانه خدا نسبت به همه موجودات یکسان است، یعنی ذات اقدس الهی هرگز به موجودی نزدیک‌تر از موجود دیگر نیست، بلکه قرب و سلطه او بر قوی‌ترین و ضعیف‌ترین موجود یکسان است: «... با هر چیزی نسبت یکسان دارد؛ پس هیچ چیزی وجود ندارد که نسبت به چیز دیگر به او نزدیک‌تر باشد. هیچ دوری از او دور نیست و هیچ نزدیکی به او نزدیک نیست...» (الکافی، ۱/۱۲۸)، «وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ؛ و با نیرویت که با آن بر هر چیزی چیره گشته‌ای» (دعای کمیل). بنابراین، مهم آن است که انسان بتواند خود را به جوار قرب مشفقانه الهی برساند و هر چه بیشتر به او نزدیک شود و از این قرب که مایه کمال است، بهره‌های بیشتر و شرافتی افزون‌تر ببرد؛ وگرنه قرب قاهرانه، بهره معنوی برای انسان فراهم نمی‌کند». (ادب فنای مقربان، ۳/۲۷۹)



سازمان
مکاتبات



درس ششم
ناش. ۵

تورا دارم، چه کم دارم؟

۸ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكِدْنَا وَلَا تَكِدْ عَلَيْنَا وَامْكُرْ لَنَا وَلَا تَمْكُرْ بِنَا وَادِلْ لَنَا وَلَا تُدِلْ مِنَّا.

۱۱ اللَّهُمَّ إِنَّمَا يَكْتَفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَانْهِنَّا وَانْمَا يُعْطَى الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جِدَّتِكَ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعْظِنَا وَانْمَا يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاهْدِنَا.

۱۲ اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَالَيْتَ لَمْ يَضُرَّهُ خِذْلَانُ الْخَازِلِينَ وَمَنْ أَعْطَيْتَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنَعُ الْمَانِعِينَ وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ يُغْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضِلِّينَ

۱۳ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنَعْنَا بِعِزِّكَ مِنْ عِبَادِكَ وَأَعِزَّنَا عَنْ غَيْرِكَ يَا رَفَادِكَ وَاسْلُكْ بِنَا سَبِيلَ الْحَقِّ يَا رُشَادِكَ.

۸ معبودا! بر محمد و خاندان او درود فرست، و به نفع ما طرح ریز و چاره ساز و برزبان ما طرح مریز و چاره مساز و به نفع ما ترفند زن و برزبان ما ترفند مزن و یاری ات را برای چیرگی و دولت یافتن ما قرار ده و برای چیرگی و دولت یافتن [دیگران] بر ما قرار مده.

۱۱ معبودا! آنان که به قدر کفایت، دارند تنها به واسطه توانایی سرشار تو بی نیازند، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را کفایت فرما و بخشنندگان تنها از دارایی لبریز تو می بخشند پس بر محمد و آل او درود فرست و به ما بخشش کن و ره یافتگان تنها با نور رخ تو راه می یابند پس بر محمد و آل او درود فرست و ما را راهنمایی کن.

۱۲ معبودا! آن که تو یاورش باشی یاری نکردن و وانهادن و انهندگان به او زیانی نخواهد رسانید، و به آن که تو بخشش کنی، بازداشتن بازدارندگان در روی کاستی پدید نمی آورد، و آن که را توره نمایی گمراه کردن گمراه کنندگان او را به گمراهی نمی افکند.

۱۳ پس بر محمد و خاندان او درود فرست، و ما را با عزت خویش از [گزند] بندگان باز دار و با عطای خود از غیر خودت بی نیاز گردان و با راهنمایی خود به راه حق درآور.

حفظ دعا

يَا مَنْ لَا تَفْنَى خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ

پرسش و تمرین

۱. با توجه به متن و ترجمه دعا، واژگان زیر را ترجمه کنید.

تَظْهَرُ	حَظَر	بَدَل	الْإِلْحَاد	واژگان
تَنْقِصِي	أَغْتِيقُ	أَذِنِ	الْوَهَّابِينَ	ترجمه تحت اللفظی
بی نیاز گردان	کفایت کن	گردن ها	رسوا مکن	ترجمه روان
بهره ای	فرمان روایی	گنجینه ها	شگفتی ها	

۲. ترجمه ترکیب های زیر را بنویسید.

عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ
الْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ

۳. ترجمه کنید.

واژگان	أَغْتِيقُ	رِقَابَ	نَا	مِنْ	نَقِمَةٍ	كَ
ترجمه تحت اللفظی						
ترجمه روان						

واژگان	يَا	مَنْ	لَا تَنْتَهِي	مُدَّة	مُلْكٍ	هـ
ترجمه تحت اللفظی						
ترجمه روان						

۴. با توجه به روایت امام صادق (ع) یکی از مهم‌ترین آداب دعا چیست؟ نمود این ادب را در فرازهای این درس توضیح دهید.

۵. مقصود امام سجاد (ع) از عبارت «اجْعَلْ لَنَا نَصِيْباً فِي رَحْمَتِكَ؛ برای ما بهره‌ای از رحمت قرار ده»، «رحمت رحمانیه» خداوند (ع) است یا «رحمت رحیمیّه» او؟ چرا؟

۶. چرا امام سجاد (ع) عبارت «يَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُؤْيَيْهِ الْأَنْبَاءُ» را به عبارت «أُذِنَا إِلَى قُرْبِكَ» پیوند می‌دهد؟ توضیح دهید چه ارتباطی میان این دو وجود دارد؟

۷. چه دغدغه‌هایی مؤمن خردمند را وادار می‌دارد که همواره خواستار استقلال از دیگران باشد؟ در کدام فراز از این درس این دغدغه مؤمنانه به چشم می‌خورد؟

مطالعه و پژوهش

۱. مقصود از قرب و نزدیکی به خداوند (ع) چیست؟

■ منبع مطالعه و پژوهش:

مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۳، ص ۲۹۱-۲۹۲.

آیین پرواز، محمد تقی مصباح یزدی، ج ۱، ص ۴.

انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

<http://www.pasokhgoo.ir/node/1617>

۲. با مراجعه به نیایش هفتم از صحیفه سجادیه که با عبارت «يَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقْدُ الْمَكَارِهِ...» آغاز می‌شود، توضیح دهید که چرا امام سجاد (ع) خداوند (ع) را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد؟ معارفی که آن حضرت در طول این نیایش بر زبان جاری می‌کند، چه تأثیری بربرآورده شدن خواسته‌های آن حضرت (ع) در آن نیایش دارد؟

در پناه تو ...

۹) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَقِنَّا مِنْكَ

وَاحْفَظْنَا بِكَ

وَاهْدِنَا إِلَيْكَ

وَلَا تُبَاعِدْنَا عَنْكَ

إِنَّ مَنْ تَقِيهِ يَسْلَمْ

وَمَنْ تَهْدِهِ يَعْلَمْ

وَمَنْ تُقَرِّبُهُ إِلَيْكَ يَغْنَمْ.

۱۰) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَاكْفِنَا

حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ

وَشَرَّ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ

وَمَرَارَةِ صَوْلَةِ السُّلْطَانِ ...

۱۴) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَاجْعَلْ

سَلَامَةً قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ

۹) معبودا! بر محمد و خاندان او درود فرست

و از کيفر خود نگاهمان دار

و به لطف خویش حفظمان فرما

و به سوی خود هدایتمان گردان

و از درگاه خود دورمان مساز؛

چراکه هر که را نگاهش داری سالم و بی‌گزند می‌ماند

و هر که را هدایتش کنی آگاه می‌گردد

و هر که را به خود نزدیکش سازی بهره می‌برد.

۱۰) معبودا! بر محمد و خاندان او درود فرست

و ما را کفایت فرما

از تیزی شمشیر حوادث روزگار،

و شر دام‌های شیطان،

و تلخی قهر و غلبه سلطان ...

۱۴) معبودا! بر محمد و خاندان او درود فرست

و قرار ده

سلامت دل‌های ما را در یاد عظمتت،

وَقَرَأَ أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ
وَأَنْطَلَقَ أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مِثَّتِكَ.
(۱۵) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَاجْعَلْنَا
مِنْ دُعَايِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ
وَهُدَايِكَ الدَّالِّينَ عَلَيْكَ
وَمِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و فراغت بدن هایمان را در سپاسگزاری نعمت،
و روانی و گشادگی زبان هایمان را در توصیف نعمت.
(۱۵) معبودا! بر محمد و خاندان او درود فرست
و قرارده ما را

از دعوت کنندگانت که مردم را به سوی تو دعوت می کنند،
و از رهنمایانت که به سوی تو رهنمون می شوند،
و از خاصانت که در پیشگاه تو مخصوص اند؛
ای مهربان ترین مهربانان!

نمایی از دعا

یک پیشوای راستین چه دغدغه هایی در مورد خود و پیروانش دارد؟
او چه هدفی را برای خود و پیروانش ترسیم می کند
و چه گام هایی را برای رسیدن به آن «پیمودنی» می داند؟
او از چه خطراتی بر خود و پیروانش می هراسد و در برابر آنها چه می کند؟

واژگان مهم

• با توجه به متن درس و ترجمه آن، معنای واژگان زیر را بنویسید.

ق	اَحْفَظْ	لَا تُبَاعِدْ	اَكْفِ	حَذِّ
نَوَائِبِ	مَصَائِدِ	مَرَارَةِ	صَوَلَةِ	أَبْدَانِ
الْبِسَةِ	دُعَاةِ	هُدَاةِ	خَاصَّةِ	أَزْحَمِ

شرح واژگان

کلمه	معنا	شرح
لَا تُبَاعِدْ	دور مگردان	ماده «بع د» به معنای دوری است. یکی از معانی این ماده در باب مفاعله، دور کردن است. لَا تُبَاعِدْ فعل نهی از باب مفاعله، به معنای دور مگردان است. از این ریشه واژه های بُعِد (دوری)، بعید (دور از حقیقت) و استبعاد (بعید دانستن) در زبان فارسی کاربرد دارد.
دُعَاةِ	دعوت کنندگان	ماده «دعو» به معنای فراخواندن و جلب توجه و گرایش دیگری به سوی خود به وسیله صدا یا سخن است. دُعَاة جمع داعی به معنای دعوت کننده است. از این ریشه واژه های فراوانی در زبان فارسی استفاده می شود؛ مانند: دُعَاء (دعا)، دَعْوَة (دعوت)، ادْعَاء (ادعا)، دعاوی، استدعاء (استدعا).
هُدَاةِ	راهنمایی کنندگان، هدایت گران	ماده «ه دی» به معنای راهنمایی و نشان دادن راه درست است. هُدَاة جمع هادی به معنای راهنما و هدایتگر است. واژه های هادی، مهدی، هدی برای فارسی زبانان آشنا هستند.
يَغْنَمُ	بهره می برد، غنیمت می برد	ماده «غن م» به معنای به دست آوردن چیزی است که انسان قبلاً مالک آن نبوده است. مثلاً به مالی که در جنگ از دشمن به دست می آید، غنیمت گفته می شود.



سازمان
آموزش و پرورش



درس هفتم
نیایش ۵

■ نمایش عاشقی ...

در درس پیشین با بخش اول از نیایش پنجم صحیفه سجادیه انس گرفتیم و هنرنمایی امام سجاد علیه السلام را در پیوند دادن خواسته‌های نورانی‌اش با اسمای حسناى پروردگار، به تماشا نشستیم. در این درس به بخش‌هایی دیگر از آن نیایش زیبا خواهیم پرداخت. با توجه به عنوانی که در صحیفه سجادیه به این نیایش اختصاص داده شده است، با مطالعه فرازهای آن، می‌توانیم از مهم‌ترین دغدغه‌های یک پیشوای راستین در مورد خود و اهل ولایتش (کسانی که ولایت آن حضرت را پذیرفته‌اند و دوستی و یاورى ایشان را پیشه کرده‌اند) آگاه شویم. در این نیایش، امام زین‌العابدین علیه السلام برترین امور را برای دنیا و آخرت خود و پیروانش به بهترین و زیباترین شکل ممکن از پروردگارش درخواست می‌کند و در عین حال جلوه‌ای از عاشق‌پیشگی خود را به نمایش می‌گذارد.

■ بلکان تقرب

در فرازهای نخستین پس از صلوات بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش علیهم السلام، چند خواسته نورانی و معنوی مطرح می‌گردد. این خواسته‌ها پله‌پله ترقی می‌کنند تا به خواسته نهایی و اصلی برسند؛ معبودا بر محمد و خاندان او درود فرست و ... (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ):

۱. ما را از خودت نگاهمان دار (قَنَا مِنْكَ)

در دعای شریف افتتاح آمده است: «أَيَقْنْتُ أَنَّكَ أَزَحِمُ الرَّاجِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ التَّكَالِ وَالنَّقِمَةِ؛ به یقین دانستم که تو در جایگاه عفو و رحمت، مهربان‌ترین مهربانانی و در جایگاه کیفر و مجازات، سخت‌گیرترین کیفرکنندگانی» (مفاتیح‌الجنان، اعمال شب‌های ماه مبارک رمضان)؛ بر پایه این فراز تکان‌دهنده، خداوند جل جلاله هنگامی که نوبت به عقاب و کیفرش می‌رسد، با همه آن مهربانی بی‌انتهایش، سخت‌گیرترین کیفرکنندگان خواهد بود. توجه به این امر سبب می‌شود انسان از ناحیه خداوند حکیم، احساس خطر و هراس کند و بی‌اختیار ندا دهد: «ما را از خودت حفظ نما!».

این اولین پله از پله‌های درخواست امام سجاد علیه السلام به سوی خواسته نهایی خود یعنی تقرب به خداوند جل جلاله است؛ چراکه اگر خداوند جل جلاله بخواهد با بندگان خطاکارش به مقتضای عدل خود رفتار کند و آنان را از آتش اعمال ناشایستی که خود مرتکب شده‌اند حفظ نفرماید و بسوزاند، هرگز شایستگی تقرب و نزدیکی به او را پیدا نخواهند کرد.

۲. ما را با خودت حفظ نما (وَ احْفَظْنَا بِكَ ... إِنَّ مَنْ تَقِيهِ يَسْلَمْ)

با پیمودن پله اول و رهایی از آثار منفی کردارهای ناشایست گذشته، زمینه برای مطرح کردن خواسته دوم فراهم می‌گردد و آن درخواست حفظ و نگهداری از سوی خداوند جَلَّالَ است. گرچه حفظ و نگهداری، معنای عامی دارد و شامل حفظ و نگهداری از خطرات مادی و نیز معنوی می‌گردد ولی با توجه به سیاق، به نظر می‌رسد مقصود حضرت، حفظ و نگهداری از خطراتی است که معنویت انسان را هدف قرار داده‌اند؛ همچون ارتکاب انواع گناهان و معاصی، اخلاق زشت و ناپسند و در نهایت اعتقادات باطل و گمراه‌کننده. امام سجاده علیه السلام خود و دوستانش را در دامن امن الهی قرار می‌دهد و از او می‌خواهد که خود عهده‌دار حفاظت از آنان گردد (احْفَظْنَا بِكَ)؛ چراکه می‌داند ...

از سویی همه خیرات و از جمله حفظ و نگهداری از خطرات خانمان برانداز معنوی، به دست خداوند جَلَّالَ است و انسان هر قدر هم که قوی و نیرومند و باتقوا و دانا باشد هرگز بدون یاری او یارای مقاومت در برابر این خطرات را نخواهد داشت.

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کفریست راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدهش و از سوی دیگر هرگاه خداوند جَلَّالَ عهده‌دار محافظت و نگهداری از انسان گردد، انسان از همه این آفات و خطرات در امان می‌ماند و جان سالم به در می‌برد (إِنَّ مَنْ تَقِيهِ يَسْلَمْ). بنابراین مطمئن‌ترین جایی که انسان می‌تواند به آن پناه برد همان دامن امن الهی است. البته این امر تنها با لقلقه زبان محقق نمی‌شود بلکه انسان باید با امکاناتی که خداوند جَلَّالَ به او داده است در حد توانش از این آفات خانمان سوز دوری کند و خود را در معرض آفات قرار ندهد و در عین حال هرگز به داشته‌های خود مغرور نباشد و هر توفیقی را که برای دوری از آفات پیدا می‌کند، از جانب خداوند جَلَّالَ بداند و دم به دم از او درخواست توفیق بیشتر نماید.

۳. ما را به سوی خودت هدایت نما (وَ اهْدِنَا إِلَيْكَ ... إِنَّ ... مَنْ تَهْدِيهِ يَحْلَمْ)

با رهایی از کردارهای ناشایست گذشته و بیمه شدن در برابر آفات آینده، زمینه برای مطرح کردن خواسته بعدی فراهم می‌گردد: «خداوند ما را به سوی خودت هدایت نما ... چراکه ... هر که تو او را هدایت کنی آگاه می‌گردد». با این درخواست اولاً آهسته‌آهسته پرده از هدف نهایی امام سجاده علیه السلام برداشته می‌شود و ثانیاً لازمه رسیدن به این هدف، روشن می‌گردد؛ هدف نهایی، خود خداوند جَلَّالَ است؛ چراکه فرمود: «به سوی خودت هدایت نما» و لازمه آن، هدایت خداوند جَلَّالَ است. امام سجاده علیه السلام در ادامه توضیح می‌دهد که هر که را



درس هفتم
نیایش ۵



خداوند ﷻ هدایت کند، قطعاً از راه های رسیدن به هدف آگاه می گردد و می تواند با چشمی باز در مسیر مستقیم تقرّب به درگاه ربوبی قدم بردارد (إِنَّ ... مَنْ تَهْدِهِ يَخْلُجْ). البته روشن است که خداوند ﷻ، حکیم است و هدایت ویژه اش به گزاف شامل حال این و آن نمی گردد و چنان که گذشت نیاز به زمینه ها و شرایطی دارد. در قرآن

کریم - که کتاب هدایت است - به تفصیل از این زمینه ها و شرایط یاد شده است.

۴. ما را از خودت دور مساز (لَا تَبَاعِدْنَا عَنْكَ إِنَّ ... مَنْ تَقَرَّبَهُ إِلَيْكَ يَخْنَمْ)

بالآخره امام سجاد علیه السلام مقصود نهایی خود را پس از درخواست زمینه ها و اسباب آن، از پروردگارش درخواست می کند: «ما را از خود دور مساز؛ چرا که آن که را که تو به خود نزدیک گردانی بهره خواهد برد» و چه بهره ای برتر از خودت که زیبایی و کمال بی انتها هستی!

ای خدا، این وصل را هجران مکن سرخوشان عشق را نالان مکن
باغ جان را تازه و سرسبز دار قصد این مستان و این بستان مکن
نیست در عالم ز هجران تلخ تر هر چه خواهی کن، ولیکن آن مکن

اما چه چیزی باعث تقرّب و نزدیکی انسان به خداوند ﷻ می شود؟ پاسخ این سؤال را در حدیثی قدسی از خود خداوند ﷻ بشنویم؛ از رسول خدا ﷺ روایت شده که خداوند تبارک و تعالی فرمود:

هیچ بنده ای به وسیله چیزی دوست داشتنی تر از آنچه بر او واجب کرده ام، به من تقرّب نمی جوید و همانا او به واسطه نافله (عمل مستحبی) به من تقرّب می جوید تا اینکه او را دوست بدارم؛ هنگامی که او را دوست داشتم گوش او خواهم شد که با آن می شنود و چشم او که با آن می بیند و زبان او که با آن سخن می گوید و دست او که با آن کار می کند؛ اگر مرا بخواند اجابتش می کنم و اگر از من درخواست کند به او عطا می کنم. (الکافی، ۳۵۲/۲)

براساس این روایت نورانی، در درجه اول، **اجابات** و در درجه دوم، **مستحبات**، پله های قرب و نزدیکی به سوی خداوند ﷻ هستند.

يَسْقِي آدَمَ لَا يَفْنِيَنَّكُمْ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ
مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا
إِنَّهُ يَرَبُّكُمْ هُوَ وَفِيْلَهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُ
إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

ای فرزندان آدم، مبادا شیطان شما را بفریبد چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند در حالی که لباسشان را از تنشان به در می آورد تا شرمگاهشان را به آنها بنماید! او و همدستانش شما را می بینند از جایی که شما آنها را نمی بینید. قطعاً ما شیاطین را سرپرست کسانی ساخته ایم که ایمان ندارند.

اعراف: ۳۷

دام‌هایی که در اختیار دارد می‌تواند انسان را تالیه پرتگاه پیش ببرد و در معرض تباهی قرار دهد. سؤال اینجاست که شیطان چه دام‌ها و امکاناتی در اختیار دارد؟ با نگاهی به روایات گوناگون، هر فکر و اعتقاد باطل، هر اخلاق و گرایش ناپسند (از جمله دلبستگی به لذات و شهوات دنیوی) و هر عمل و کردار ناشایستی که زمینه را برای گمراهی بیشتر انسان فراهم می‌کند، می‌تواند یکی از دام‌های شیطان باشد. شیطان با حربه‌ها و وسوسه‌های گوناگون انسان را به آنها دچار می‌کند و سپس زمام انسان را به دست می‌گیرد و او را به هرسو

که می‌خواهد می‌کشانند. روایات نورانی زیر می‌توانند مؤید این مدعا باشند:

- امام صادق علیه السلام: «همانا شیطان دام‌هایی دارد که با آنها شکار می‌کند؛ پس از تورها و دام‌های او دوری کنید». عرض شد: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، آن تورها و دام‌ها چیست؟ فرمود: «دام‌هایش، جلوگیری از نیکی به برادران است و تورهایش، خواب ماندن از ادای نمازهایی است که خداوند واجب کرده است. آگاه باشید که خداوند به چیزی به اندازه قدم برداشتن برای نیکی به برادران و دیدار آنان، عبادت نمی‌شود. وای بر غافلان از نمازها که در خلوت‌ها می‌خوابند و خداوند و آیات او را به تمسخر می‌گیرند». (تحف العقول، ص ۳۰۲)
- در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله از قول ابلیس آمده است: «اولین امری که با آن مؤمن را شکار می‌کنم، استفاده از زنان است؛ اگر با فرمان برداری از خداوند، خودداری کرد، با حربه گردآوری مال از راه حرام به خاطر طمع و حرص در آن، به سراغ او می‌روم؛ اگر باز با فرمان برداری از خداوند، خودداری کرد و با بی‌رغبتی به دنیا مرا از خود دور کرد، با شراب به سراغ او می‌روم. این کار را ادامه می‌دهم تا همه شهوت‌ها را بر او عرضه کنم! او حتی اگر از پرهیزکارترین مردم باشد، باید یکی از آنها را مرتکب شود!». (بخارالآذوار، ۲۲۸/۶۰)
- امیرالمؤمنین علیه السلام: «شهوت‌ها، دام‌های شیطان هستند». (تصنیف غررالحکم، ص ۳۰۴)

اشارت و هدایت

روزی یحیی علیه السلام به ابلیس فرمود: از تو درخواستی دارم. ابلیس گفت: مقام تو بالاتر از آن است که سؤال تو را جواب ندهم، هر چه می خواهی بپرس. من هرگز با خواسته تو مخالفت نمی کنم! یحیی علیه السلام فرمود: دوست دارم دامه‌ایت را که به وسیله آنها فرزندان آدم را شکار کرده و همراه می کنی، به من نشان دهی. ابلیس گفت: با کمال میل خواسته تو را به جا می آورم. سپس در قیافه‌ای عجیب و با وسایل گوناگون خود را به حضرت نشان داد و توضیح داد که چگونه با آن وسایل رنگارنگ فرزندان آدم را فریب داده، به سوی گمراهی می برد. یحیی علیه السلام پرسید: آیا هیچ شده که لحظه‌ای بر من پیروز شوی؟ ابلیس جواب داد: نه، هرگز! ولی در تو خصلتی هست که از آن خوشم می آید! یحیی علیه السلام پرسید: آن خصلت چیست؟ شیطان پاسخ داد: تو خیلی غذا می خوری. هنگامی که افطار می کنی زیاد می خوری و سنگین می شوی و بدین جهت کمی از نمازهای مستحبی و شب زنده داری باز می مانی. یحیی علیه السلام بی درنگ فرمود: من با خداوند عهد می بندم که تا زمانی که به ملاقات او روم، هرگز غذا را به طور کامل نخورم و از آن سیر نشوم. شیطان نیز گفت: من نیز با خداوند عهد می بندم که تا زمانی که به ملاقات او روم، هیچ مؤمنی را نصیحت نکنم. این را گفت و رفت و دیگر هرگز نزد یحیی علیه السلام باز نگشت.

الأمالی (للطوسی)، ص ۳۳۹

انسان مؤمنی که زمام هستی همه، از جمله حاکمان و قدرتمندان را، به دست پروردگار مهربانش می بیند، حتی در برابر قدرتمندان متجاوز نیز به بن بست بر نمی خورد. چنین انسانی اولاً با تکیه بر خداوند جل جلاله، تلاش می کند که اجازه ندهد چنین افرادی بر جامعه و جهان حکمرانی کنند و ثانیاً تا می تواند خود را بیهوده در معرض ظلم و ستم آنان قرار نمی دهد (یعنی تقیه می کند و تا ضرورتی پیش نیامده خود را به دام هلاکت نمی اندازد) و ثالثاً در همه حال خود را در پناه قدرت بی انتهای پروردگار هستی قرار می دهد و از او در مقابل آنان یاری می جوید.

امیرالمؤمنین علیه السلام: «مبادا از خودت مطمئن باشی! چرا که این از بزرگ ترین دام های شیطان است». (تصنیف غرر الحکم، ص ۳۰۷)

امیرالمؤمنین علیه السلام: «چشم ها دام های شیطان اند». (عیون الحکم و المواعظ، ص ۴)

۳. تلخی هجوم سلطان (مَرَاة صَوْلَةِ السُّلْطَانِ)

سومین خطری که معمولاً از کنترل انسان خارج است، خطری است که از ناحیه سردمداران متوجه انسان می شود؛ افراد قدرتمندی که به جای خدمت رسانی به مردم، از قدرت و نفوذ خود سوء استفاده می کنند و در راستای اهداف و خواسته های شخصی شان، از هیچ ظلم و ستمی به زیردستان دریغ نمی ورزند. خطر قدرتمندان تجاوزکار هرگز از صحنه زندگی انسان رخت بر نمی بندد. حتی اگر در رأس جامعه ای، حاکمی عادل و خیرخواه قرار داشته باشد و همه دست اندرکاران آن جامعه نیز انسان هایی خیرخواه و وارسته باشند، باز هم در سطح بین الملل کشورهای قدرتمندی پیدا می شوند که در راستای منافع خود، حقوق ملت های ضعیف تر را پایمال می کنند و آنان را در آتش ظلم و تجاوز خود می سوزانند.



سکادله
مکمله



درس هفتم
نیایش ۵

فقط برای تو...

گفته شد که این نیایش یکی از زیباترین جلوه‌های عاشقی را به نمایش می‌گذارد؛ همه خواسته‌هایش، بوی معشوق می‌دهد و قرب و نزدیکی به او را نشانه می‌رود. این فراز نورانی نیز، شاهی بر این مدعاست. در این فراز، امام سجاد علیه السلام سه خواسته نورانی مطرح کرده که همه را با آب محبت از مظاهر خودبینی و خودخواهی شست و شو داده و به شکلی هنرمندانه به رنگ محبوب رنگ آمیزی کرده است. شیوه بیان ایشان در این فراز، شیوه‌ای بسیار ویژه است؛ ایشان اساساً اصل خواسته را مطرح نمی‌کند، بلکه هدف انحصاری از خواسته را بیان می‌کند! این سه خواسته عبارتند از:

• سلامتی قلب برای اینکه به یاد عظمت خداوند جل جلاله باشد.

• فراغت بدن برای اینکه شکرگزار نعمت خداوند جل جلاله باشد.

• گویایی زبان برای اینکه به توصیف نعمت‌های بزرگ خداوند جل جلاله بپردازد.

۱. سلامت قلب (اجْعَلْ سَلَامَةً قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ)

خداوند! بر محمد و خاندانش درود فرست و سلامت دل‌های ما را در یاد عظمتت قرار ده [یعنی سلامتی دل‌های ما را به یاد عظمتت اختصاص بده نه چیز دیگر]. با این جمله، امام سجاد علیه السلام اولاً سلامتی قلب را برای خود و دوستانش از خداوند جل جلاله درخواست می‌کند و ثانیاً هدف از آن را بیان می‌کند. امام سجاد علیه السلام دلی سالم می‌خواهد، اما تنها برای یک چیز؛ مشاهده عظمت و زیبایی خداوند جل جلاله. آن عاشق دانا، به خوبی می‌داند که:

از سویی مشاهده عظمت و زیبایی معشوقش تنها با چشم دل امکان پذیر است و از سویی دیگر تنها دل‌های پاک و سالم می‌توانند به بارگاه قدس و جلال او قدم بگذارند و به مشاهده انوار عظمت بی‌انتهای او بنشینند.

اساساً امکان ندارد دلی سالم باشد ولی مشغول آن یکتای بی‌همتا نگردد؛ چراکه بر اساس روایتی زیبا از امام صادق علیه السلام نشانه سلامت دل این است که از هرچه غیر خداست تهی شده باشد؛ ایشان در ذیل آیه ۸۹ سوره شعراء می‌فرماید: «قلب سلیم آن است که پروردگارش را در

حالی ملاقات می‌کند، که جز او در آن نباشد». (الکافی، ۱۶/۲)

تذکر: به گفته سیدعلی خان مدنی رحمته الله علیه این فراز را اینگونه نیز می‌توان معنا کرد: «با یاد عظمت دل‌های ما را از آفات گوناگون حفظ نما و سالم نگه دار»؛ در این معنا یاد عظمت خداوند جل جلاله به ظرفی تشبیه شده است که اگر سلامتی دل را در آن قرار دهیم از آفات گوناگون محفوظ می‌ماند.

(ریاض السالکین، ۱۶۰/۲)



۲. فراغت بدن (وَ فَرَاغَ أَنْذَانَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ)

هنگامی که قلب و جان انسان در اقیانوس عظمت الهی مستغرق گردید، خود را در دریایی بی‌کران از نعمت‌های او می‌بیند و وظیفه شکرگزاری را بر خود واجب می‌شمارد. امام سجّاد علیه السلام با توجه به این حقیقت از خداوند جلّ جلاله می‌خواهد که فراغت بدنش را تنها صرف شکرگزاری خود کند نه چیز دیگر. مقصود از صرف فراغت بدن در شکرگزاری، این است که نعمت‌های خداوند جلّ جلاله را در راستای خواسته و پسند او مورد استفاده قرار دهد و از معصیت و نافرمانی او دوری کند. در روایتی، امام صادق علیه السلام شکرگزاری را اینگونه معنا می‌کند: شکر نعمت دوری کردن از محرمات است و کمال شکر این است که انسان بگوید:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ". (الکافی، ۹۵/۲)

۳. گویایی زبان (وَ انْطَلَقَ السِّتْنَا فِي وَضْفِ مِثْلِكَ)

همه انسان‌ها آرزو دارند برای پیشبرد اهداف خود، زبانی گویا داشته باشند تا بتوانند بدون هیچ لکنتی آنچه را در دل دارند بر زبان آورند. اما انسانی که هدفی جز خدا جلّ جلاله ندارد، زبان گویایش را نیز برای او می‌خواهد. او که خود را غرق در نعمت‌های بزرگ الهی می‌بیند، زبانی گویا می‌خواهد تا بتواند تک‌تک نعمت‌های الهی را بر زبان آورد و به این فرموده الهی عمل نماید: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (ضحی: ۱۱)؛ «و از نعمت پروردگارت سخن گوی».

در نهج البلاغه نیایشی از امیرالمؤمنین علیه السلام وجود دارد که با این فراز صحیفه ارتباطی تنگاتنگ دارد:

خداوندا، تو شایسته زیباترین ستایش و زینده‌بی‌شمارترین سپاس و نیایشی؛ اگر آرزویت کنند بهترین آرزویی و اگر امید به تو بندند گرمی‌ترین مایه امیدی. خداوندا، نعمت‌های گسترده‌ای به من دادی که بدان خاطر جز تو را نتوانم ستود و غیر تو را نتوانم ثنا گفت و روی مدح و ثنای خود را به معادن زیان و نومیدی و جایگاه‌های شک و تردید [که خلق تو باشند]، نتوانم کرد؛ تو زبانم را از ستایش آدمیان و ثنای آفریدگان، که همه مربوب تواند، باز گرداندی... (نهج البلاغه، خطبه ۹۲)

■ رهنمایان کوی دلدار ■

عاشق، چشم به خواسته‌های معشوقش می‌دوزد و هر آنچه او می‌خواهد را خواستار می‌گردد. وقتی معشوقش را می‌بیند که چقدر به هدایت و سعادت بندگانش اهتمام می‌ورزد، او نیز بی‌اختیار خواستار هدایت و سعادت همه بندگان او می‌گردد و آرزو می‌کند که بتواند در این راستا قدمی بردارد؛ اینجاست که دست به دعا بر می‌دارد و از پروردگارش می‌خواهد که او را از جمله دعوت‌کنندگان به سوی او و رهنمایان آستان او قرار دهد (وَ اجْعَلْنَا مِنْ دُعَايِكَ الدَّاعِينَ



سکادک
مکمل



درس هفتم
نیایش ۵

إِنَّكَ وَهُدَايَكَ (الدَّالِّينَ عَلَيْكَ). البته خداوند حکیم، هر کسی را بدون داشتن شایستگی‌های لازم، به منصب هدایت‌گری نمی‌گمارد؛ چراکه تنها انسان‌های پاک، درستکار و رهیافته هستند که می‌توانند واسطه و مجرای هدایت الهی قرار گیرند. به همین دلیل است که بر اساس تعالیم اسلامی خودسازی بر دگرسازی مقدم است؛ امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

هر که خود را رهبر مردم قرار دهد، باید پیش از تعلیم و تأدیب دیگران به تعلیم و تأدیب خویش پردازد، و باید تأدیب‌کردنش به رفتارش پیش از تأدیب‌کردنش به گفتارش باشد، و کسی که آموزگار و ادب‌کننده خویش است، بیشتر سزاوارتر به احترام و بزرگداشت است از کسی که آموزگار و ادب‌کننده مردم است! (نهج البلاغه، حکمت ۷۳)

■ خاصان درگاه الهی

وَمِنْ خَاصِّكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ يَا أَزْهَمَ الرَّاحِمِينَ

اگر کسی را دوست داشته باشیم یا در نظرمان شخص مهمی باشد، آرزو خواهیم کرد که از نزدیک‌ترین افراد به او باشیم و از اینکه افراد دیگری از ما به او نزدیک‌ترند، احساس حسرت و اندوه می‌کنیم. امام سجاد (علیه السلام) نیز به خوبی می‌داند نزد معشوقش جایگاه ویژه‌ای وجود دارد که افراد بسیار محدودی به آن راه دارند؛ افرادی که با خداوند به گونه‌ای دیگر عشق‌بازی می‌کنند و خداوند نیز به شکلی ویژه آنان را مورد لطف و محبت خود قرار می‌دهد. از این رو امام زین‌العابدین (علیه السلام) در پایان همه خواسته‌هایش در این مناجات عاشقانه، از پروردگار خود می‌خواهد که ایشان و دوستانش را از جمله خاصان درگاه خود قرار دهد. مقصود از خاصان، افرادی هستند که نزد خداوند قرب و جایگاهی ویژه دارند که دیگران از آن بی‌بهره‌اند.

در مناجاتی زیبا از امیرالمؤمنین (علیه السلام)، به لطف ویژه‌ای که خداوند (جل جلاله) به خاصان درگاه خود می‌کند، اشاره شده است؛ بر اساس این مناجات، خداوند سبحان به گونه‌ای برای آنان تجلی می‌کند که به مقام توحید و معرفت او راه می‌یابند و به واسطه آن، حقیقت خداوند را عبادت می‌کنند:

فَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي ظَهَرْتَ بِهِ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِكَ فَوَحَّدُوكَ وَعَرَّفُوكَ فَعَبَدُوكَ بِحَقِيقَتِكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي نَفْسَكَ لِأَقْرَبَكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ عَلَى حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ بِكَ؛ از تو به آن نامی که با آن برای خواص اولیایت تجلی کردی و به دنبال آن به توحید و معرفت تو دست یافتند و حقیقت تو را پرستیدند، می‌خواهم که خودت را به من بشناسانی تا با حقیقت ایمان

به تو به ربوبیتت اقرار کنم. (بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۶)

رواق اندیشه

چنانکه در فرازی از دعای شریف افتتاح خواندیم، خداوند جَلَّ جَلَالُهُ گرچه در جایگاه رحمت، مهربان‌ترین مهربانان است ولی در جایگاه عذاب نیز، سختگیرترین کیفردهندگان است؛ چرا خداوند جَلَّ جَلَالُهُ با آن همه مهربانی، بندگان را با آن شدت عذاب می‌کند؟! بر پایه متون دینی و نیز براهین عقلی، عدل خداوند جَلَّ جَلَالُهُ اقتضا می‌کند عذابش هر اندازه هم شدید و دردناک باشد، چیزی فراتر از اعمال ناشایست خود بندگان نباشد. در جای جای قرآن کریم به روشنی بیان شده که در روز قیامت، همان حقیقت و چهره ملکوتی اعمال ناشایست انسان‌ها، سبب عذاب و درد کشیدن آنان می‌گردد نه چیز دیگر؛ «وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نمل: ۹۰)؛ «و آنان که کار بد آورند، چهره‌هاشان در آتش سرنگون گردد؛ [و به آنان گویند] آیا جز آن چه می‌کردید کیفر داده می‌شوید؟». پس آتش الهی، چیزی فراتر از چهره ملکوتی گناه و نافرمانی خداوند جَلَّ جَلَالُهُ نیست. این همان عدل الهی است که حقیقت خود اعمال را عذاب انسان قرار می‌دهد و هرگز به کسی ظلم نمی‌کند؛ امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام در نیایشی می‌فرماید: «كَرُمْتَ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَذْلُ، لَا يُخْشَى جَوْزُكَ عَلَى مَنْ عَصَاكَ؛ تو بزرگوartراز آنی که جز از دادگری تو، بهراسند؛ از تو، بر کسی که با تو نافرمانی کرده است، بیم ستم نیست». (نیایش ۳۷، فراز ۱۶)

آری، ابر رحمت خداوند جَلَّ جَلَالُهُ همواره در حال بارش است و می‌تواند آتش کردارهای بندگان را خاموش کند ولی متأسفانه برخی خود را از زیر این ابر مهربانی کنار می‌کشند و همچنان در آتشی که خود به جان‌شان زده‌اند می‌سوزند.

گرچه رحمت خداوند جَلَّ جَلَالُهُ، بی دریغ نثار همه آفریدگانش می‌شود که خود فرموده «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف: ۱۵۶)؛ «و رحمت من هر چیزی را فرا گرفته»، ولی برخی با اصرار بر گناه و کردارهای ناشایست، زمینه پذیرش این رحمت فراگیر را در خود از میان بر می‌دارند و خود را از آن محروم می‌کنند؛ همانند کسی که پرده‌های خانه‌اش را به روی نور بی‌دریغ خورشید فروزان می‌کشد و خود را از نور گرمابخش آن محروم می‌کند.

- ۱) اللَّهُمَّ إِنْ تَشَاءُ تَعْفُ عَنَّا فَبِفَضْلِكَ وَإِنْ تَشَاءُ تُعَذِّبُنَا فَبِعَذَابِكَ .
- ۲) فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَكَ بِمَنِّكَ وَ أَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ بِتَجَاوُزِكَ فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَذَابِكَ وَلَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِنَّا دُونَ عَفْوَكَ .
- ۳) يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ هَا نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ أَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ فَاجْبُرْ فَاقْتَنَّا بِوُسْعِكَ وَ لَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنِّكَ فَتَكُونَ قَدْ أَشْقَيْتَ مَنْ اسْتَسْعَدَ بِكَ وَ حَرَمْتَ مَنْ اسْتَرْفَدَ فَضْلَكَ .
- ۴) فَإِلَى مَنْ حِينِيذٍ مُنْقَلَبُنَا عَنْكَ وَ إِلَى أَيْنَ مَذْهَبُنَا عَنْ بَابِكَ .

۱) معبودا! اگر بخواهی از ما درگذری، از بخشش توست و اگر بخواهی عذابمان کنی، از دادگری توست.

۲) پس با انعام خویش [راه] گذشتت را بر ما آسان کن و با چشم پوشی خود، ما را از عذاب خویش، پناه ده که ما هیچ توانی [در برابر] دادگری تو نداریم و هیچ یک از ما، هیچ [راه] نجاتی، جز گذشتت ندارد.

۳) ای بی نیازترین بی نیازان، اینک این ما بندگان تو در پیشگاه تو ایم! و من نیازمندترین نیازمندان به توام؛ پس تهیدستی ما را با توانگری خویش، جبران کن و ما را با محروم داشتنت ناامید مکن که اگر چنین کنی، آن را که از تو سعادت جسته است، نگویند بخت و آن را که از فضل تو، یاری خواسته است، محروم کرده ای.

۴) در این صورت از نزد تو، به که روی آوریم؟ و از درگاه تو به کجا رویم؟!

حفظ دعا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ
وَ فَرَاغِ أَعْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعَمَتِكَ وَ انْطِلَاقِ السَّنَتَيْنَا فِي وَصْفِ مَنِّكَ .

پرسشی و تمرین

۱. با توجه به متن و ترجمه دعا، واژگان زیر را ترجمه کنید.

انْجِلَاقٌ	نَوَائِبُ	دُعَاةٌ	قِي	قِي
هَدَاةٌ	أَزْحَمَ	صَوَّلَةٌ	مَصَايِدُ	مَصَايِدُ
دورمگردان	بدن ها	تیزی	تلخی	تلخی
حفظ فرما	دل ها	زبان ها	بهره می برد	بهره می برد

۲. ترجمه ترکیب های زیر را بنویسید.

حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ	
شَرَّ مَصَايِدِ الشَّيْطَانِ	
تَلَخَى قَهْرًا وَغَلْبَةً سُلْطَانِ	

۳. ترجمه کنید.

اجْعَلْ	نَا	مِنْ	دُعَاةٍ	كَ	الدَّاعِينَ	إِلَى	كَ	واژگان
								ترجمه تحت اللفظی
								ترجمه روان

اجْعَلْ	سَلَامَةً	قُلُوبٍ	نَا	فِي	ذِكْرِ	عَظَمَةِ	كَ	واژگان
								ترجمه تحت اللفظی
								ترجمه روان



درس هفتم
نیایش ۵

۴. خواننده حقیقی امام سجاده علیه السلام در فراز «وَقِنَا مُنْكَ» چیست؟

۵. امام سجاده علیه السلام از چه خطرهایی بر خود و دوستانش می‌هراسد و از خداوند در برابر آنها یاری می‌طلبد؟

۶. چه اموری می‌توانند از دام‌های شیطان باشند. با توجه به روایات نقل شده در متن درس، چند مورد از مصادیق دام‌های شیطان را بیان کنید.

۷. امام سجاده علیه السلام سلامت دل، فراغت جسم و گویایی زبان را برای چه می‌خواهد؟

مطالعه و پژوهش

۱. چنانکه ذیل فراز «وَاهْدِنَا إِلَيْكَ» بیان شد، قرآن کتاب هدایت است و در آن به تفصیل از مقوله هدایت یاد شده است. از منظر قرآن کریم، هدایت الهی شامل حال چه کسانی می‌شود چه کسانی را در بر نمی‌گیرد؟

■ منبع مطالعه و پژوهش:

قرآن کریم، بقره: ۲، ۱۲، ۹۷، ۱۵۷، ۲۵۸، ۲۶۴؛ آل

عمران: ۱۰۱؛ نساء: ۱۶۸، ۱۷۵؛ مائده: ۱۶، ۱۰۸؛ انعام: ۸۲،

۹۰، ۱۲۵؛ اعراف: ۵۴ و

هدایت در قرآن، عبدالله جوادی آملی، نشر اسراء.

۲. در این نیایش آموختیم که خطرات مهمی تهدیدمان می‌کند و باید خود را از آنها در پناه خدا قرار دهیم؛ با وجود این، گاه گرفتاری‌هایی به سراغ انسان می‌آیند که شیرینی زندگی را به تلخی غم و اندوه مبدل می‌کنند؛ آخرین نیایش صحیفه سجادیه، نیایشی است که امام سجاده علیه السلام برای زدودن اندوه‌ها، انشاء فرموده است؛ آن نیایش را با دقت مطالعه کنید و نکات موجود در آن را در قالب گزارشی کوتاه ارائه دهید.



در پناه تو...